

مع ذلک ما که با برادران اسلامی خود جز در معدودی از مسائل فرعیه غیر جوهریه اختلافی نداریم و منصفانه توانیم گنت که خلاف میان ما پیش از مخالفت موجوده در بین علمای هر یک ازین دو فرقه اهمیت نداشته، زاید بر این مقدار هر چه تصور شود از اغراض منرضین و جهل ما بحقیقت اسلام حاصل آمده است، باز دین حنیف را علت وحید افتراق و انقسام می شناسیم ؟

یکی از علما و صاحبمنصبان بزرگ فرانسه در کتاب خود که آن را (اسلام) نامیده پس از بیان احتمال وقوع خطر از اتقان اتباع شیخ سنوسی و مسلمانان شمال افریقا مینویسد. لکن بر فرض آنکه چیزی روز سیاهی در مستملکات ما پیش آید باز اختلاف حاصل میان اهالی و همجوشی عثمانی با یکدیگر هنوز مانع خواهد بود از اینکه روح انقلاب در جمیع نقاط سرایت کند، خودسری و ترک اتفاق بدتر مرضی است مخصوص مسلمانان، و تا یکدرجه مختص نژاد ساسی، و همین افتراق کلمه و حدود مجادلات در میان مسلمانان سبب شد که دین نصرایت در ایام ساله جان سلامت بدر برد، و فقط همین امر است که امروزه دفع خطر از اتقان مسلمانان را نموده، دولت فرانس مستملکات خود را از برکت آتش صلح و سلامت محنوط خواهد داشت

و اخیراً بیان حقیقت و اداء حقوق اسلامیت ما را مجبور میسازد تا اولاً بعموم اقوام غیرمسلمه اعلام داریم که شریعت مقدسه اسلام بحکم آیات سابقه و احکام ثابت، ما را نسبت بجمیع افراد بشر مادام که با ما از در قتال نباشد جز بهودت و شفقت امر فرموده.

و ثانیاً برادران اسلامی خود را مخاطب ساخته تصریح نمائیم که آئمه هدی علیهم السلام پیوسته ما را باتفاق و اتحاد با شما برادران حقیقی مامور داشته از ادنی مخالفت منع اکید فرموده اند، لکن استبداد رجال دین و سیاست و جهل ما بحقایق احکام شریعت موجب این تعصب میشوم و آنچه فضایع نامشروع گردید، پس ما راست که پس از این بظن باقیانی در اصول اختلافات فرعیه را علت انقسام قرار ندهیم و هر مسلمی که من بعد راه

تفاق بوید ما دم اساس اسلام و ناصر اعداء دینش شناسیم والله حسبننا و نعم الوکیل محمد باقر الاصهبانی  
حبل المتین

این لایحه انبیه و مقاله رشیده آیت الله زاده اصهبانی که فاضلی است حید و عالی است عامل واقف بمواقف عصر دانا بزایای اتحاد اسلامی جناب مستطاب آقا شیخ محمد باقر نجل جلیل آیت الله آقای شیخ محمد تقی آقا محبی است که رشیدیت ادبیاتش هزاره در جراند عربیه انتشار می یابد و مؤسس قرائت خانه محبت اشرف و رحمن رکن انجمن بغداد اخوت اند میباشد

الحس مقاله مذکوره بحبی خود تمام و سزاوار است که مسلمانان عام بآوش هوش شنیده و در مقام تعمیل آن بر آید ولی نظر بوطنینه که کشف حقایق است داریم از بیان یک نکته ناچاریم و آن این است که اگر بخواهیم در مسلمانان اتحاد عملی پیدا شود باید از دایره مباحث الزاط خارج شده بمملیات بردازیم. واضح تر گوایم باید علت حقیقی اختلاف را فهمید و رفع علت نموده، چه تا رفع علت نشود اتحاد فعلی بین مسلمانان صورت حقیقی نه بندد این اختلاف از زمان معاویه بین مسلمین پیدا شد و بعد از هزار ماه عمر ابن عبدالعزیزی پیدا شده از یکطرف ما به الاحتلاف را مرتفع ساخت همان کاری که آروز عمر ابن عبدالعزیز نمود امروز باید مقام منبع ریاست روحانی اسلام به نماید و این خدمت باسلام منحصر بمقام منبع ریاست روحانی است و جز آن بزرگواران احدی از عهده رفع این مسئله که بستد بمقاید است نتواند آمد ورنه جمیع زحمات خیر حواریان اسلام نقش بر آبست و بر فرض هم که زناً اقرار باتحاد نمائیم قلباً اتحاد قائم نخواهد گردید

و با اینکه دواعی اضمهلال اسلام از شامت این اختلاف مسلم، ولو از م ترقی آن در سایه اتحاد مسلمانان ثابت بلکه اظهر من الشمس است، گویا هیچ اشکالی در صدور چنین حکم از مقام منبع ریاست روحانی نباشد و اصول اجتهاد که بحیثی اسلامیان است درین مقام میتواند بر مسلمانان بی روح کار مسیحانی نماید، پس ترقی جویان اسلام و هیئت علمیة نجف اشرف و سایر علمای اعلام راست که این

نکته دقیقه را مد نظر دقت گرفته هر پهلوی آن را دیده مشکلاتی که درین باب پیش تواند آمد و اختلافاتی که از برخی شهرت طلبان ممکن است پیش آید مدافه فرموده حکیمانه اقدام فرمایند که بحول و قوه الهی این مانع اتحاد و ترقی اسلام را از پیش بردارند

رموز دامن ترقی ام میدانند که هرگاه مقام منبع ریاست روحانی مجدانه درین ماده مخصوص اقدام فرماید نه اینکه اشکالی پیش بخواهد آمد بلکه در یک قرن ترقیات محیرالعقول ملت شیعه عالم گیر خواهد گردید و امروز همین مسئله که مایه تباین و مخالف بین این دو فرقه شده مانع بزرگی است در عود و تأمل دیگران بدلائل عقیده و عقیده و تاریخچه ما، این است که مزایای مذهب شیعه مستور مانده و سد سدی در جلو ترقیات آن گردیده است (از اینم بیشتر گفتن نشاید)

### نصایح مرکز

( قابل ملاحظه همقلان محترم )

اهمیت موقع حالیه ایران و تلاطم افکار مضره و امراض شخصی و هیچ یک از اینای مافوق وطن پوشیده نیست، جمعی از مستبدین و دسته از اشخاص بی مسلک ایران نقاط عمده فرنگ را فرا گرفته اند جمعی هم هستند که آنها را می شود « ماراسباه » گفت و چون مقاصدشان در داخله و خارجه در تحصیل جاه و شغل بکلی حاصل نشده است ناراض هستند، بعضی از این اشخاص در جراید داخله و خارجه حکومت حالیه را می خواهند بی اعتبار نمایند، و بعضی دیگر که استمدادشان کمتر است کارشان فقین میان برادران حقیقی و اشکال تراشی برای خادمان صادق دولت و ملت است

ابای وطن مخصوصاً جراید ملی راست که از دور و نزدیک متوجه بشوند و برده از نقشه حضرات برداشته و مرکز نگذارند که مردمان عبور را که در این مشغول خدمت اند و در این مدت متحمل همه نوع مشقت شده اند از کار باز دارند، ببارت اخوی لازم است که متصل تغییر عقیده در حق ابای حقیقی وطن نکنند، خصوصاً در حق آنها که وجود و عدمشان دیگر بسته بر استقرار و انقراض اساس مشروطه است و برجال

محترم فرصت کار بدهند و با جان و دل در تائید آنها سعی نمایند، چون اشخاص منسد بوسایل عدیده مشغول کاغذ پرانی و کنشکاش هستند و مرکز اتحاد و ترقی در تمام نقاط اعضا و مخبران موقت دارد درست از رفتار و کردار آنها مسبوق است برای اینکه یک دفعه سدی جلو پاره اشتباهات

که در جراید دیده میشود گذاشته شود خوب است جراید معتبر ایرانی بر خودشان حتمی کرده و مسلکی قرار بدهند که هیچ نامه شکایت و کاغذ ایراد و یا مضمون آنها را منتشر نکنند مگر بامضای گوینده و نویسنده، و الا بدون امضاء چون مسئولیت نیست هرکس هرچه می خواهد می نویسد و صدمه آن بملت و مملکت باید میشود، جراید محترم راست که از مطالب بی امضا و کلیتاً از نشر مکتوبهای که از اشخاص معین و موقت نمیرسد احتراز فرمایند، یک خط در این مسئله و در این حالت حالیه ایران موجب صدمات بزرگ می تواند شد

عوام زیاد اند یک دفعه سهپیده میشود بدنام را نیک نام نمود و مردمان ملی را از اعتبار انداخت نتیجه ایکار و رشک و حالی شدن مملکت از مردمان کاری است، امروز هرکس سرکار بوده و مرجعیت داشته باشد طبعاً دشمن زیاد خواهد داشت، اجرای قواعد صحیح و قوانین ملی خود علت بزرگ دشمن تراشی و عدم رضای مردم است، باید دوست نظم و مؤید دولت حالیه شد، ملی در صورت ملاحظه این نکات جراید می تواند بی بکنند اشخاصی را که مسئولیت قبول نمی کنند و یا استعفا از کار می نمایند، این دو مسئله در صورت ملاحظه نکات فوق از گناه های کبیره شمرده می شود، مردان دولتی فقط کسانی هستند که مرکز عدم رضای مردم را ملاحظه نکرده در اجرای قوانین تصور نمی نمایند، مردان دولتی نیستند کسانی که از قبول مسئولیت احتراز می نمایند و یا متصل استعفا میدهند، جراید راست که از مراکز صحیح اساسی مفیدین را درست دست آورده و آنها را بشناسند

البته ملاحظه فرموده اید که در برخی جرائد فارسی چه اشتباه کاری ها در حق خادمان وطن می کنند گویا بچاره گان گول یکی از و سایل مستبدین را خورده اند بلکه نامه مقدمه توجه فرمایند

« قوام ملت بروج علم است »

« قابل توجه هموطنان عزیز »

کسیکه مختصر حب وطن دارد - و در فکر رقی ملت و آبادی مملکت ایران می باشد ، باید امروز برای ایجاد مدارس ایرانی صحیح در تمام ناط ایران جهت تربیت و تعلیم اطفال کوشیده و ز هیچگونه بذل مال کوتاهی نورزد ، مادامیکه ما ایرانیها علم نداشته باشیم دارای هیچ چیز نخواهیم بود ، بر فرض پول هم به هر وسیله باشد تحصیل کنیم تا زمانیکه راه خرج کردن آن پول یاد نگیریم که به مصرف صحیح برسانیم فائده از آن پول برای ملت و مملکت ایران مرتب نخواهد بود ، بیشتر از همه برای ترویج علوم در ایران باید اشخاص تربیت شده و فارغ التحصیل که فعلاً در ایران موجودند همراهی و معاونت نمایند ، قایمیکه سالهای سال به فرنگستان رفته مبالغی پول بران را برده در آنجا خرج کرده تحصیل علوم خارجه را نموده برگشته اند و همیشه هم اظهار نکایت از اولیای دولت می نمایند که باندازه تحصیلات آنها شغل بایشان رجوع نشده از دوشق بستند ، یا واقعه در این مدت اقامت فرنگستان بهره از علوم خارجه برده اند ، و یا اینکه همه را عیش و عشرت گذرانیده ادا در خیال نبوده اند ، این آقایان آخری که فقط چیزیکه یاد گرفته اند بنست به جای لغات فارسی استعمال الناط خارجه را وده و از شدت فرنگی مآب آب را با کارد پنکال میل فرمایند طرف شدن کار حضرت فیل ست و بنده ادا جبارت نخواهم ورزید ، فقط استدعای بنده از آن آقایانیکه در واقع زحمی کشیده چیزی یاد گرفته اند ایست ، که اگر خواسته شد امروز خدمتی برای آئینه ملت ایران نمایند رگتر از این خدمتی نیست ، علومیکه در السنه خارجه تحصیل کرده اند به زماث فارسی ترجمه آیند ، تا بلکه اطفال مدارس جدید بتوانند سهولت تکمیل تحصیلات ابتدائی خودشانرا در زماث به نمایند ، و اولیای اطفال مجبور نه باشند اطفال کوچک را به خارجه فرستند که بواسطه داشتن اساطه کامل به دین اسلام تغییر عقیده نمایند ، نه مسلمانان میشود گفت و نه فرنگی شان

میتوان نامید ، اغلب از اینجا رانده و از آنجا مانده يك نفر مسیو آنتوان ناقص برمی کردند ، ولی وقتیکه شاگرد بیست ساله که تحصیلات ایرانیش کامل شده به خارجه برود نمیتوان عقیده او را تغییر داد بدین است وقتیکه جوانان با علم مشغول ترجمه کتب علمی گردیده و به انجام رسانیدند وزارت علوم هم باید همه قسم همراهی و معاونت با این اشخاص داشته باشد ، نه مثل چند ساله کتب راجع به علم هندسه ونیره که بنده اطلاع دارم و به رأی العین دیده ام جناب مهندس الممالک در طهران به چه زحمات در مدت چندین سال زحمت ، دسی ترجمه نموده و گویا بواسطه مضایقه پول و عدم همراهی وزارت علوم تا کنون چاپ نگردیده است ، اگر اینوضع حالیه را که عجائماً در ایران پیش گرفته اند تغییر ندهند ، در آئینه زبان فارسی و عربی بکلی از میان خواهد رفت ، آیا اثری از او باقی ماند یا خیر ، چون اروپائیان لسان ایرانی را مرده می بندارند ماها راست سی کنیم ، چنانکه ایران را قابل مشروطیت نمیدانستند و به رأی العین دیدند در انک مدت چه ترقی ها کرده و به حقوق مشروعه خودمان نائل گردیدیم ، همینطور هم مشاهده بکنند که ما نخواهیم گذاشت زبان ملی ما منسوخ گردد ( خادم وطن عبدالمجید تبریزی )

نگارنده محترمی از درفول می نویسد

( تبصرة لاولی الابصار )

بر دانشوران با کیناست و دانشمندان با فتوت پوشیده نیست که امروزه تهور و جنبش غیرالعقول ایرانیان جناب توجه عموم سیاسیون و ذوی العقول ملل متدنه عالم را نموده با هزاران چشم ناظر اعمال و کردار ملت غیور ایرانی بوده و هستند و نیز مطبوعات عالم منتظر اندراج وقایع تاریخی و اقدامات خدا پسندانه سرداران ملی مایند که گوشزد عالمیان نمایند آشکار است که مکروب مشروطیت از خاک پاک ایران تصاعد نموده جو هوای محیط را بر کرده در بعضی از ممالک عالم تاثیر نموده و خواهد نمود -

کالشمس فی رابعه النهار بر طالبان و فضلاء عصر واضح و مبرهن است که ما ایرانیان کار عمده بسیار بزرگی را پیش نهاد و مقصد دور درازی در پیش داریم

یعنی میخواستیم مملکت باین خرابی را به ملک معصومه ساز عالم رسانیم، پس امروز قول تنها و نطق های مسجع و منافا باید قناعت نمود، ما دنیا دنیا حزم باید اقدامات فنی خود را عاجلاً ایمان مشهور سازیم، اگرچه امروزه دولت ایران بمراحل دیده از سایر دول متقدمه دنیا عقب افتاده لکن سرعت ترقی ایران را محسوساً مشاهده می نمایم، حیات دیده محبت سرعت ترقی ایران مد نظر است و ما را بوقوع خود در مشکله محبت صاحبان حق بسایم، همه خواهیم داشت، الا محبتی هرص حصول هموار محترم شود میدارد.

اول آمدن آب و هوای ایران بدیهی است که استنشاق هوای طیب آکسیری موجب تدبیر سلامت و صاف خون حوامد بود و نیز سلامت و صاف خون صورت سلامت استیل قوای فکریه و حیات مدرنه حوامد بود این است که اهالی ایران با بدنه حوامد حواسه اکثر مردمان قوی الجبهه و تیز حسی با هوش واقع شده اند.

عرض ازین تطویل کلام ایکه امروزه راجع بر افراد ایران حرام است، بدو باید تن پروری و مایه حویلیهای خود بدستی را از خود دور نمایم. وقت سریز را مت از دست ندهیم، زحمت کشیدن و بدر وقت درانایه داس، را از اروپا با یاد بگیریم. اوقات شریف خود را صرف حرارت شامراه (کیار حوی و رب - در) ای که من اها شرار که هر روز باید که شرار دارا هم و هم علم ما سر به لذتات نصیر، و بار حوی و زلیب کر است.

بهر حال - امروزه هر که را در ماست مقتضای عدت حوامی و ه، ما بابت خود حانا و مالا کتفا و لساناً خدمتی نام اسباب بوده رای خود را مقام منبع اولیای امور و هموطنان محترم سرضه ندارد. این دره در به مدار و فدائی ملت که سالها در بوته سوز و گداز بوده بامید وصال هروس حریت صرف عمر نموده و منتهای آلام حصول این مقصود مقدس بوده بر حسب ادراکات جز، خود بمرض میرساند، اهم مطالب عمده ما امروزه چه - از چیز است که باسرع و وسایل تحصیل و فراهم نمایم و بهترین دوا بجهت شفیه امراض امروزه مملکت ما همین

چهار چیز است، امنیت، فلاح، تعلیم اجباری سد مجازی خسارات و ترقی ارباب حرفه.

(اول) بدیهی است که امنیت سرآید جمیع امورات و موجب سعادت ابدی مملکت و اهم احتیاجات امروزه ما تشکیل ادارات نظمی و امنیه و شقوق اتصالات مملکت است که بدون مرام به نهدت امنیت نیل بمقصود از جمله محالات است، باید در این مقصود مسائل سیاه بدول در سید، عواید و فواید امنیت لا تعد ولا تحسی.

در سرب ایران میداند بواسطه احتیاقات خلمان سوز فراعنه استبداد اکثر تجار و متمولین ایران بدول اروپ و جنوب آسیا و سایر دول رفته اقامت ورزیده تجارت خود را در خارجه مبطوط و مقرر داشته و در این مدت بواسطه تجارت عالمه بدوولان در عه تجارت هم رسانیده اند، مسلم است پس از ای که ایران و وطن محترم ما سمعت امنیت کامیاب گردید و تربیه حال عموم فراهم آمد تا این حد مال ناموس را مطمئن اغلب شدید بموجب (حب الیوس من الایان) وطن مألوف خود عودت حوامند فرمود، حب وطن در مراح افراد نوع انرطیبی است هر کس بتدر ادراکات شخصی خود دارای این مایه حویلیا و نشه طبیعی بوده و حسب، این بدنه بر حسب جزئی معلومات ادراکیه خود اقامه دایان حسی میباید.

بدیهی است که انواع خنیده گل سطح کره اعم از انسان و حیوان اولاد و احاد خود را باعلی درجه محبت دوست میدارد و بز اولاد والدین را بدرجات متعایه دوست میدارد و این حسب مگر بواسطه امت و ارتباط تمامه زبان معنویت که طفل بحز وادین دیگری را شناخته و تمام تلقی او بوالین خود معطوف بوده اگرچه اثرات مواد صلیبیه و رطوبات اصلیه که مورث تکوین اعصاب اسامیه بدن طفل شده در کار است لیکن جزء اعظم همان الفت تمامه زمان رضاعت و صباوت است باین دلیل، هرگاه طفل را در دامان دایه پرورش داده غائب داشتند الذی بوالدین نخواهد داشت و همان محبت و الفت را بدایه و مهرب خود خواهد داشت پس همان الفت زمان صباوت جزء اعظم محبت طفل بوالدین خواهد بود (العلم فی الصغر كالنقش فی الحجر) کلام بزرگی است، هر چیزی در زمان

طفولیت در پیشگاه مخدیه طفل منقوش شود زوال مابذیر است ، محبت ، علم ، اخلاق ، آداب ، احساسات نظری ، عرض کردیم عمده محبت طل بوالدین همان است که در دامان رأفت پدر و مادر نشو نما نموده تربیت یافته ، نیز میگوئیم همینطور در دامان حاکم نقطه مسقط الرأس هم نشو نما ها نموده در از محبت والدین نخواهد بود

بر صاحبان ذوق سلیقه واضح و مردمانی که مهاجرین ایران منتهای آمال شان عود بقعه مسقط الرأس و زندگی در دامان مادر مهربان یعنی وطن عزیز خود است ، بدون شک متین است بجزرد حصول اطمینان کامل و تأمین حق و مالی بوطن عزیز خود رجعت خواهند نمود ، هنر مجاری دحل و شب تجارت عاقلانه را که در حارجہ داشته اند نیز در داخله هم تمتد خواهند فرمود و با سکونت در ایران میتوانند با ملل دور و نزدیک با کمال سهولت حتی با آمریکا هم بتوسط پست مقرر می تمتد و مقرر فرمایند

(۲) با تمام قوا و جهد مالا کلام باید امروزه در توسعه امور فلاحت سعی و جاهد شویم که بهترین و معظمترین شقوق بجهت کسب ثروت کنون ما ایرانها توسعه عمل فلاحت است ، اگر با این بی علی بخواهیم به صنایع عالی در کارخانه های عمده خود مان را بیای مال عالم رسانیم اولاً باید نصیب اهالی مملکت با علمی را در داخله مملکت خودمان جلب نماییم و بینه همان مسئله کبک و کلاغ خواهد شد ، امروز اگر جهازی در شط کارون یا خلیج فارس داشته باشیم یک نفر کبکان با علم و یک نفر انجینر در داخله ما یافت نمیشود ، بعقیده جمیع علماء در علم فلاحت ایران مملکتی است حاصل خیز

(۳) تعلیم اجباری و توسعه معارف و مطبوعات - علماء و سیاسیون میدادند هر ملی شروع بخواندن وسائل و مطبوعات نمودند اول مرتبه عروج بمعارج عالیله و علامت سرعت ترقی آن ملت خواهد بود و نیز تأسیس مدارس علمی اجباراً - چنانچه مسئله اجبار نباشد تا پنجاه سال دیگر تمام بحقایق و وظیفه ملیت خود نخواهیم شده و حال ملت بی علم هم معلوم است این است که می بینیم اولیای امور و نوکلاء محترم

جهد و نهایت اهتمام را صرفی دارند ، عواید و فواید مدارس علمی لازم به تدریس نیست ، بر افراد و آحاد ملت آشکار و مبین است

(۴) انسداد مجاری خسارات و حفظ ثروت مملکت - هرگاه بنظر تدقیق نظر کنیم می بینیم تمام موبل و اتانیه خانگیان متاع میشوم خارجه است لباس خوراک اسباب تمام متاع خارجه مآکولات و مشروبات حارجہ از میل قند چای و سیره و سیره تمام دروف اتانیه من باید چینی شکستی و نیز بعضی عادات میشوم همه برادر اتانیه که باید حتماً در حین عروسی دو حترها شان ( ۲۰۰ ) یا ( ۳۰۰ ) تکه طرف چینی و سجاه و شصت عدد کلاب باش و کلابهای با روس و بلور شکستی باشد و رخوت پارچه های سبز سحر میشوم حارجہ هفت دویست سیصد تومان در صندوقچه دخترها بوسیده شود عرض اینکه ما ها مردور حارجہ ها واقع شده ایم که از مجاری شتی و بطایف الخلیل خون ما ها را می کند و ابداً حسن نمیکند

و اما چه قدر ضرق بجز خرافاتیم چشم گوش ما بسته حقی را نمی بینیم ، ای مسلمانان با محبت ایرانی عفت تاکی و چند - تاکی در بستر جهل و نادان ننوده منافع و مصلحت خود را نفهمیم و منایب بوعید را حسن نمائیم ، خودمان را مزدور و و تخرمان دلال حارجہ ها باشند ، منتظریم بجزرد اینکه منای در کار حارجہ جات حارجہ ظاهر شود بداخله مملکت جلب نماییم و بدست خود تیشه بر ریشه مملکتیان زنیم ، تجار ما چه رحمت ها در دلالی حارجہ ها کشیده حق حارجہ دلالی را سود و حاصل تجارت خود میدادند ، سالی کرور ها متاع حارجہ اغلب شکستی در داخله مملکت ما بمصرف فروش میرسد ، اکثر بلور و چینی که بیک زمین خوردن صندوقها مبلغ خطیری خسارت مالی تجار ما میرسد و حارجہ ها در عوض لیره و امپریال میرسد که آما فانا در تواید و ازدیاد است ، این است معنی تجارت و زندگی با شرف -

عرض کردیم تجار ما دلال حارجہ ها هستند ، نیز عرض می نمایم ای کاش دلال میبودند بواسطه اینکه دلال فقط حق حارجہ دلالی خود را بحق است شریک

مذهبی را نه نموده، و در آت باب موافق رأی مترجم قرآن یعنی نایب امام (ع) رفتار نماید؟ همان نایب امامیکه امروز حامی مشروطه طلبان است، و مؤسسن (کودتای) را که مجلس اولی را بآت شکلها برچیدند تکفیر فرمودند

خوب است یاور قشون فرانسه (سیو) (آنژینور) را که بایران رفته و سرگذشت سز خودش را در روزنامه آسیای فرانسه نوشته ملاقات نموده و از او ما وقع را به پرسید، مشارالیه هیچده ماه قبل در بجهوخته شورش ایران بآن سرزمین رفت، و بهترین محسوسات را از هموطنان من آورده و مداح مشروطه حوامان است، و همته میگوید و ستایش میکند ایرانیها را که بآن خوبی شورش خودشانرا بدون خون ریزی زیاد مرتب سکرده بودند و خصوصاً ستارخان را که رئیس آنهائی است که بآن رشادت شهر تبریز را نه ماه تمام درمیان آتش و قحطی و بدون اینکه اصدمة باتباع خارجه در آنجا برسد دفاع سکرده، یاور محترم بعد از آنکه ایران را دیده به نجف رفته و در آنجا رئیس مذهبی ما آیةالله آخوند ملا محمد کاظم را ملاقات نموده و از آن بزرگوار سه مسئله ذیل را سؤال کرده است: س - اول آیا مشروطه موافق قوانین اسلامی هست یاخیر؟

ج - بی موافقت مشروطه با دین اسلام کتر از موافقت آن با دین عیسوی نیست  
بعد از این جواب یاور مزبور عرض کرد که در ایران فتاوی زیاد در تأکید استقرار و استحکام مشروطه دیده است، ولی بعضی مدعی بودند که این فتاوی جعلی است،  
رئیس مذهب ما جواب داد که تمام این فتاوی از شخص ایشان و صحیح است، و تمامی آنها موافق اصول مذهب میباشد و تکفیر خواهند فرمود اشخاصی را که بر ضد اساس مشروطه کار بکنند

آقای وزیر مختار فرمود مذهب اسلام بنای محکم اساس مشروطه است  
س - چه میفرمائید آیا در ایران تعلیم و تربیت زنان لازم است؟

خسارت و ملزوم شکتز هم هستند، فرض تسدید مجاری خسارات و حفظ ثروت مملکت همان تنلیل و اعدام دخول متاع خارجه و بعضی مسافرت های بیوقع بخارجه است

ترقی ارباب حرفت و صنایع موجب سرعت ترقی متاع وطنی و منتسج نتایج عمده خواهد بود  
▶ ترجمه روزنامه (نوول) ◀  
( مورخه ۱۴ ماه نوامبر ۱۹۰۹ )  
( حکومت جدید ایران )

این روزها در همین موقع روزنامه خودمان سوال و جواب محسوسات ( میو کلودانه ) را در ایرات نوشتیم - برخلاف ملک بیطرفانه روزنامه ما بود که مملکت ایران را در تحت آن چنان اقوال مصده گذاشته باشیم، لذا خودمان رفته از بصیر ترین اشخاص ( جناب ممتاز السلطه ) خواهش کنیم که نه برای دفاع ( مقصود این است که مقاله قبل که مندرج شده قابل دفاع نیست ) بلکه در باب بروقرام دولت جدید ایران عقاید خودشان را با بگوید

( مشروطه و قرآن )  
از آقای وزیر مختار پرسیدیم، بطور باید تعبیر کرد قول شخصی را که میگوید اساس مشروطیت برخلاف محسوسات مضموی ملی ایرانیان است و همونان شما از تمهلات پارلمنتری امتراز دارند

وزیر مختار محترم جواب داد - حکومت ملی تمیلات اساس اصلی ایران است، و قرآن خود از حد شاعده این مسئله میباشد، قرآن آشکار میگوید که به هیچ یک از امور ملی نباید اندامی نمود مگر بعد حضرت نبوی ( ص ) خود بطوریکه از مشورت - و مهمه ملکی اقدام نمی فرمود تاریخ میناید باسو لس شوری در مساجد و مشورت مگر بعد از تشکیل مجتم نم نباید حکومت کرد مگر موافق مذهب اسلام این موقع می خواهم یک بمشورت مجلس ملی، در روشن بکنم، اغلب باره عقاید عمومی فرنگ را حرف زده اند، از سلطنت فاعل مختار در ایران لطنت فاعل مختار در ایران بدبختانه جبر بوده ولی - لشک بادشاه هیچ وقت نمی توانست بشود بجهت ای ست، آیا شخصاً محسوسات باحکام شریعه شده . . .

مذهبی ما یکسان و از واجبات است، و امیدواریم که در تحت مشروطه ایران تربیت زنها که تا حال درست منظور نشده است بیشتر طرف توجه گردد  
س - آیا زنان مسلمان موافق مذهب اسلامی باید بشکل حالیه رو بند داشته باشند ؟

ج - خیر - در ترتیب حالیه افراط و تفریط و مستلزم طاعت است همان اصول اولیه اسلام در پرده زنان کافی است

این را هم بگویم ( وزیر مختار میگوید ) بعد از استقرار مشروطه مکاتب مخصوصه خصوصاً در طهران از برای تربیت و تعلیم دخترهای ایرانی تأسیس شده است

( اساس مشروطه محکم برقرار شده است )

س - محاصره طهران را بواسطه مشروطه خواهان می شود تسخیر دائمی و محکم کابینه مملکت پنداشت ؟  
ج - ( وزیر مختار ) تمام مملکت بواسطه مشروطه

طلبان گرفته و مرتب شده بود ، و نمانده بود مگر شهر طهران و بطوری که میدانید خیلی ایستادگی نکرد ، اما درباب اثبات استحکام مشروطه در ایران

هم قدر کافی است ، که طبعاً ملق شده است مظلوم واقع شده بود امروز طالب عدالت خواهد بود ، ابرایشان بیدار شده و یقیناً استحکام اساس

صحیحه عدل و مساوات موفق خواهند شد ، اگر مشروطه در ایران تنها وسیله نجات مملکت نمی شد دولتن روس و انگلیس و همچون دولت

قراله از یک سال باین طرف با این همه اصرار از محمد علی استقرار دائمی آنرا مطالبه نمی کردند اساسی که نتیجه آن طبعاً و بهرور زمان تکمیل

و اصلاح صورت مملکت است نمیتواند محبوب اقلوب نباشد ، مشروطه خواهان با بدلائل عقلی همین حالا محبوب اقلوب فرنگستان شده ، و ممالک متقدمه

بدنعات ثابت کرده اند که ما کمال میل و رغبت حاضر برتائید و رعنائی هستند ، و با تجرباتی که داوند ملق را که رو به ترقی میرود کک خواهند کرد

( مالیات و ساکنان قدیم )

س - آیا مالیات پسرولت داخل خزانه دولتی میشود ؟ راست است که دولت ایران مجبور شده است که از ساکنان قدیم روی کار بیارود ؟

بجهت اینکه صاحبان املاک در پیشگاه دولت مستولنه و رعیت خیلی خوشوقت است که ظلم در حق او نشود و من بعد مالیات خودش را که خیلی مختصر است ادا نماید

مالیات در ایران خیلی کم است و شهرها در حال تقریباً چیزی بدولت نمی دهند ، اصلاح عمل

مالیات عین مندمت طبقه رعیت است ( مسیو بیژن ) متش مایه که دولت فرانسه با خواهش ما بدولت ایران داده در همین اواخر کاتذی بن نوشته بود

و اظهار خیلی امیدواری میکرد ، از اینکه بااستاز نظم مالیات مقدور خواهد شد ،

اما درباب حاکم های قدیم کابینه دولت حالیه حکومت نمی دهد مگر ماشخاصیکه طرف اعتماد خودش هستند ، حاکم هاییکه از میان ( ژون پرسیان )

در این اواخر بحکومت های بزرگ مثل تبریز و شیراز فرستاده شده اند بسیار خوب کار می کنند . حرکت قشون روس از تبریز آیا خود دلیل بر این مسئله نیست ؟  
( پارتی بواتیکی )

س - آیا میان آزادی طلبان اختلافیکه بتواند مضر اداره امور ملی باشد پیداست ؟  
ج - اما عدم آفاق و پارتی بازی - مگر از برکت اختلاف ریزی و پارتیهای مختلفه نیست که

ممالک مشروطه بدور محور خودشان می گردند ؟ کدام مملکت مشروطه است که در آنها بشر و مضرت از ایران پارتی شده باشد ؟ ایران امتحان خوبی داده

و ( رولیسبون ) خود را با خون ریزی کم باحجام رسانید ، و امروز مستحق محبت است و دارای حق اعتبار و فرصت از طرف فرنگستان

« جبل التین »

خوب است ایرانیها از این اظهارات سر مشق برداشته این اختلافات جزئی که پارتی ماری نام نهاده اسباب یأس خودشان قرار بدهند و مستبدین هم

این جزئیات را در ایران مایه امیدواری خودشان در خارج ندانند ،

\*\*\*

س - می گویند که بواسطه عداوت شخصی است از ( محمد علی ) که بهدار بطرف مشروطه طلبان آمده است  
ج - این شخص دولتی بدون هیچ شك جناباً

دلایل آزادی طای را نشان داده است

معری الله یکی از معلومین حکومت مستبد بود و چون از محبت او با آزادی طلبان مسبوق بود او را بعد از ( کودتای ) ماه ژوئیه ۱۹۰۸ بسرکردگی قشونی که بطرف آذربایجان برای اصلاح روانه می شد منتحب کرده مرستادید. بعد از ورود ایشان دستورا عمل او را عوض کردند و حکم کوبیدن شهر تبریز رسید، ابتدا استعفا کرده و تنگ خودشان رفتند و در همین جا هیئتی از منروبه طلبان آمده از حدش استیلا ایشان را مطلق کرده و دعوت نمودند، نه برای سرکردگی محامدین و قشون من عربت فرمایید. بعد از آن تاریخ همیشه حال بوده و حرکت شان محل تمجید بوده. و امروز علی ارفع خودشان که صاحب حکومت و کار بودند رئیس اوررای حالیه هستند تا افتتاح پارلمان که دوشنبه آید ما تبریعات شان در حضور اعلی حضرت هایونی و ماب السلطه و شاهزادگان و سمرها و نمایندگان ملت بار خواهد شد

( شاهزاده ظل السلطان )

س - آیا معاونت مردمی مثل ظل السلطان برای حکومت حالیه لازم است ؟

ح - مردمان کاری برای ایران قیض نشده و ماحرای حالیه ایران تواید مردمان دیگر خواهد کرد آنچه ما می خواهیم فرصت و وقت است ، آهم از یک طرف برای بنسرف مقاصد مانی که در حاده است ، فرنگ مخصوصاً فرانس برای نام تمدن نشان داده است قدم گذاشته ، و از طرف دیگر برای منافع حارجه بین دارم محبت ملل متهمنه رای ما مصایقه نخواهد شد ،

آیا یکی از همقطاران قدیمی شما خرسکار روزنامه ( دیلی سوز ) بود که تبریز رسید و از وقار ایرانی ها در موقع شورش آزادی طلبی و از حقنابت آنها آندر متعصب شد که فوراً از شعب خود استعفا کرده و داخل صفوف قشون مشرر طلبان گردید آهم روزنامه نویس بود مقصود توابع بهمان روزنامه نویس است که با لال سلطانی رفته بود ( شاهزاده های مملکت من حق شکایت ندارند ، خود ظل السلطان آمده قهر

ایران کرده بودند نمود و امیدوارم که معری الله سی خواهد نمود که صدق این دلسوزی خودشان را با رفتار خیر خواهانه ثابت بکنند ، اگر غیر از این بکنند آیا ضرر خودشان نیست ؟ اما این اهمیتی که ما وقع ( اردبیل ) می دهند در واقع مثل این است که تاریخ ممالک دیگر و ماحرای آنها را در ابتدای تدبیر اساسی فراموش کرده اند، ابرایشا در حده حدید خود شان لاند منتر اشکالات دیر بشر از آنها هستند و خود این اشکار و خیال طعناً حسارت آنها را درحط اساس حدیده باصاعت میکنند

حبل اقلین

این درسی است هم برای مشروطه طلبان وهم برای مستبدین از تزار حدری که من رسیده استونیکه از راه راه حار حارر حرکت کرده و رفته است با استمدادی که از اطراف جمع شده و حیم حن مان را تیبیه بکنند اسباب حیرت و مایه تمجید مأمورین خارجه مقیمین طهران شده و گفته اند که هرگز قشونی باین منطقی و استمداد از طهران حرکت نکرده بود

( پروگرام دولت مشروطه )

رای حتم کلام بشما میگویم که در سرصفحه پروگرام حکومت جدید ایران مندرج است که مراودات دوستانه خودرا با دول همجوار وهمچنین با دول دیگر فرنگ تکمیل نماید ، از مساعدت و همراهی دول مرپوره هم منطم هستیم

بعد از افتتاح مجلس خیلی ترتیبات در پیش داریم و در چندین ادارات محتاج مستشار خواهیم شد و دولت آزادی طلب ما بعضی از این قبیل مستشارها را محتمل است از دولت فرانسه خواهد بود ، چرا که دولت فرانسه بارها محسوسات دوستانه و مکتوبات حسنه خودرا نسبت بدولت ایران ثابت کرده است ، و در این موقع هم در اجرای پروگرام ما در ترتیب ادارات مملکتی و مراودات بوتیکی و تجاری و صنایعی با تمام دول کمال همراهی را ما خواهد نمود

کرمان

خره شهر دیتعه اخبار افتتاح مجلس مقدس شوای مطر بسندتک شرف و بوسه و دستها



با يك غيرت وطن پرستی از ظهر تا غروب آفتاب در  
سیداب مشغول مشق و رسیدگی به آحاد و  
افراد سرباز فرموده شب را چراغان مفضل و آتش  
بازی و جشن ملی تمام ارك و عمارات دولتی  
دارالحکومه و دیوان خانه و دفتر را بانواع  
تجمیلات و قالیهای ممتاز زینت داده انجمن ایالتی را  
نیز وکلای وطن پرست با شکوه تمام چنان آورده  
و ایالت جلیده دو دهنه بانجمن ایالتی آتشی آورده  
بعد از اتمام آتش بازی در شهر گردش فرموده  
به آحاد و افراد مردم حصه در کاروانسرای وکیل  
که تاجر آذربایجان چرات مفضل آورده بودند  
تشریفات بده عموم مردم را بپراحم فوق ماده و  
تبریکات صمیمانه خوشبود ساخته شهیدالله ملا در خدمت  
بدولت مشروبه فرو داشت می فریید . هیچ حال  
مقتدری با قوه استبداد در این مدت دوامه است  
در مدت یکماه یکجوش سرباز را در شهر حاضر نماید  
و اگر احیانا میخواستند دو دسته سرباز حاضر  
نمایند لافل دو هزار تومان ناسای محتاب  
تدارك و تنی دیگر نمی گنار رعیت بیاره احد  
می نمودند ، آهم سرباز چه سربازی هناد ساه  
دیگری چهارده ساه بود که مواجب دادن بعد از  
موضوع نمودن سهم پدشاه و وزیر جنگ و وزیر  
دفتر و وزیر لشکر و مستوفی اصام و سرورشته دار  
کل و احودان مخصوص و بیره نوبت رحل زمین  
میرسید . حکومت . رست قشون . شرمه . سرتاب .  
سرهنگ . یاور و بیره ، بالآخره مواجب به در دروجه  
صفر واقع شد . خبر نای خود را درد چون  
قوه حورردن نه بود همراهی فروختند بدیمه سخن  
لاکن ایالت جدید در مدت قلیل بدون یکدیگر  
اخذ و عمل سربازی را که وجود حارین نداشت  
و در این دو ساه فلاکت معدوم شده دو فوج  
سرباز رشید در شهر حاضر فرموده همه روزه  
مشغول مشق و بهمین مدت قلیل تمام آنها را لباس  
تازه بوشانیده مایه هزار قسم امیدواری و تشکر  
است . از پس رجال خائن در طهران که مراکز  
مملکت است یکجوش سرباز را میخواستند سان  
داده مأمور شهری نمایند شاید چهار دسته موجود  
و باقی را در طهران کرایه کرده سان میدادند  
زیرا که مقصود گرفتن حقوق تمام فوج بود ، شش

با چهار دسته را مرخص کرده بالکل جیره و  
مواجب آنها را میخورند ، لهذا ایالت اراده  
دارد پس از اتمام لباس عموم سرباز انجمن  
ایالتی و الملب محترمین شهر را در میدان مشق  
دعوت فرموده بکن عکس احوال و سوار و سایر  
نوکر را بردارند و بمرکز بفرستند ، ما می و تم خلا  
نظام کرمان مثل سرباز انگلیس شده یا این دو  
فوج قبل ذکر است . مقصود سربت ترقی ایران  
است که در صورت میل بودن رحل دولت  
به سربت کر بردارند ، سربت کرهای بزرگ با سربت  
خواهد بود . باز اگر امر بپرت و حورردی  
و خون ابرایب در کسی موجود باشد در بزرگان  
ایالت است

ما هرگز تصورات و تن پرستی دربار این  
حکومت جایله نمی نمودیم بجهت آنکه همه روزه  
از اعضاء درس در اخبارات معاب و وار خوانده  
می شد لاکن امروز ملاحظه می کنیم که برخلاف  
عموم حکام ماضی حکومت خواب و خوراک ندارد ،  
هرگز امیبت کرمان باین درجه نه بوده در ترقی  
سربز و ایجاد آنها که عشق مخصوص دارند . عمل  
مایات را تا بحال قبول فرموده بود . این اوقت  
آقامرزا عبدالرحیم حل موقرالملک به رسیدی وزیر  
مایه معرفی شده ، لاکن چنانچه اخبار تدارك  
حبل امین ساه نوشته بودند عمل مایات = کرمان  
بقدری مرح و مرح و بی قاعده میباشد که از حیرت  
بحریر شرح است حصه دهنه که رعیت الملب  
سوت و ریز و رفسحان و نوبت تارح شده  
نوزدس مایات ندارند . امیدست که حجاب رسید  
وزیر مایه در این آخر عمر خدمت بزرگی بوطن  
ودوت و ملت نموده بومی مایات را تعدیل  
نمایند که ساه با ایشان را به بی بد کنند و مردود  
ملت بخواند ، صبا را مختار بتارح سازند ، البته  
تعدیل عد هم وقتی خواهد شد ، مقصود از تعدیل  
موفق ، تحمیر بقرا میباشد که فی الجمله انیا امساله  
بار رعیت فقر را بار بایند و همراهی کنند که  
هم از دخل دولت نگاهد و هم بر ضعفا سحت  
بگذرد ، رعیت فقیر که به خار کشی امر خود را  
میگذرانند و همان بارکش او را هم برده اند به یکدست  
ضباط بی رحم آویزان کرده بول سرو خرا از او

نخواهند ، امروز نيك و بد مخفی نمی ماند ، اعمال  
عالم فوراً و تمام روی زمین منتشر خواهد شد ،  
ایالت طبع بلند و همت ارجمند دارد صاحب تمول  
است هرگز رضا باین اعمال زشت نخواهد شد لهذا  
خیر و شر از خود اهالی مملکت روز می کند

از جمله قواعد و قانون ذمیمه که در ایران  
از دیرباز جاری میباشد امید است وزارت جلیله  
حکایت این قانون را بزودی مرافع سازد ، قراولی  
سربران درب عموم حائفا و قوساحاها که علاوه  
از قراولی بواسطه فقر و فاقه خدمات بست نیز باها  
رجوع می نمایند - حالی - مملکتی - شاید با لباس  
نصام که در تمام روی زمین احترام دارد هر ارحالی  
را مرتکب شده که از ذکر آنها اسان را شرم  
می آید ، سرمار باید سپرو محترم باشد چه حافظ جان  
و مال و وطن میباشد ، بصوص آنها پلیس بگذارد  
البته کیپیوت نظام همه اینها را میداد فقط  
یادآوری می شود

از وزارت جلیله علوم هنوز اثری در این  
ملك ظاهر نشده يك مدرسه ملی موجود است لاكن  
معلم لارم دارد که علم شیمی ، نزيك و تیره باموزد  
تحصيل زبان تنها چه حاصل دارد ، حال های بوشهر  
دو سه زبان خارج میداند ، درجه ابتدائی اطفال  
بهايت بشرف را حاصل نموده معلم فلاح و تیره  
که امروز محتاج الیه عموم ایران است وجود ندارد  
ایالت مدرسه و نه امتحان شایان به عمل آورده  
بعموم معلمین اعلا بذل فرموده ( یعنی باصول قدیمه  
تشویق معلم و معلم را به گدائی کرده ) خدا کند این  
عادت محسوس هم از ایران برداشته شود ، امید است  
مقدراً طلبیه و هدایه و سایر ادارات نیز تشکیل  
یابد تا نتوان گشت ایران منسروطه است ، انجمن  
ایالتی تا کمون بواسطه محدودرات و مواج چندانی  
به تکالیف خود رفتار نمی نمود ، زیرا که با عدم  
قانون انجمن فایده ندارد بلکه مصر بحال مملکت  
است دولت و طرح و طرح ممکن نیست ، امید است  
حالا که محاسن پارلمان افتتاح یافته آنها نیز به تکالیف  
خود رفتار فرمایند و الا انجمن فایده ندارد ، چنانچه  
باها میگویند نظارت شما باعث تاخیر وصول مالیه  
خواهد شد

### مراضی صادقانه

( اگر ملت جنوب در پی اصلاحات نیستند )

( سبب دارد )

پس از لا مدجاء شدت از شدت جور و  
اعتساف و نیافتن دادرسی در جلوگیری باد وقت  
عرض ، ناموس ، حقوق ، و عدم پیشرفت  
تفریح ، آناه ، نملق و استنماع بکتابالله ، پیغمبر  
انمه هدی ، و کایم الله ، و روح الله و عدم تلقی  
و پذیرفتن آن که اسانرا یکر تبه به بیدینی صرف و  
انکار همه چیز را میدارد و از هر تثبت مایوس  
و نومید میسازد و بکی یای از پیروی تمام ادیان  
میباشد می نویم که باز در آن مرحله هم اگر چه  
هیئت اجتماعیته بزر بر يك معاهده مخصوصی تاسیس  
نیافته و در آن حال هم فایده محییی از برای  
استتباط مراضی اجتماعیه از احتزاع و ابداع چنان  
مساعده متصور بست ولی طبیی است هر کسیکه  
حایه و فواید از هیئت اجتماعیه میبرد در مقابل  
مدیون آن فایده و مرمون تلاقی آن به هیئت  
اجتماعیه میباشد و خود زندگی در حمیت یا ( در  
جرکه هیئت اجتماعیه ) این امر را متحتم میدارد  
که هر فردی ملزم تماملات بین آئینی خود بوده و  
رعایت يك طریقه مخصوص در سلوک خود با دیگران  
بماید

این سلوک عبارت از این است که اولاً صدمه  
فواید دیگران نزد یعنی بر هر مصالح و فوایدی  
که شرعاً یا عرفاً املائی حق بر آن میشود وارد  
بیاورد و ثانیاً بایست که در راحت و زحمت و  
هدا کارهاییکه هیئت اجتماعیه حبه دفاع خود و افراد  
خود مینماید بالمساوی مشترك و هم اباز باشد ، مثل  
میموهای افریائی که در وقت ورود صدمه کلاً  
مجتمع شده سینه به بلا میدهند و رفع آن می کنند  
و اگر از تبلان حلقه خود اندک تکاملی از اجرای  
این وطیه به بینند فوراً او را معدوم و فانی مینمایند ،  
چه که حبالاً مفظور بر این هستند که هیئت اجتماعیه  
حق است که این شروط را بستن با مراد خود  
هر طور و شکل است مجری دارد و آنهایکه از  
ابعاد این شروط تن در میزنند و سر از ربه اطلاع  
می بچند فدیة راه آسایش افراد خود مینمایند  
مانند کار باین نداریم ~~که~~ اگر آن هیئت

اجتماعیه متشکل از بنی آدم باشد هیئت اجتماعیه دارای قوای لا تمحصی است و اجرائیه شروط فوق تنها چیزی نیست که بنماید و وظایف هیئت اجتماعیه آدمیان را شرح دهیم ، بجهت اینکه بنابر دلتخواه يك نفر بزرگ شده دست خود ما ، رئیس گردیده خود ما ، تا کنون ما در مرحله ابتدائیه و از همان آدم های اولی بشمار هستیم و دارای حتی هر عالم انسانیت بنابر میل آن بزرگوار نبوده و نیستیم ، لهذا مجبوراً صرف نظر از حقوق آدمیت نموده حساباً لمرضاه بهمان حقوق حیوانیت و میدونیت قناعت کرده بیش از این در تفصیل داخل نمیشویم و بنابر مقدمه فوق مودبانه با نهایت توقیر و خضوع عبیدانه بخدمت جناب دریابگی عرضه میداریم

ما ملت خلیج بنابر همان معاهده و ملاحظه همان حقوق متروره طیبی پس از ذائقه مظالم يك فرد خودمان که آنهم از سعایت و اشارات خودمان ناشی و عاید حال ما گردید جناب عالیاً بریاست حکومت بر خودمان متمکن نمودیم که بصارف حاصله از مال و نفس خود ما ما رفع ظلم و تعدی از ما فرمائید نه اینکه اول خودتان جنگال تیز نموده و بر جان ما بیاقتید ما جناب عالی را بر اورنگ سعادت از آن جبهه گذاردیم که همیشه رعایت و قناعت احوال ما فرموده و تا آن جایکه مدیون حیا و فواید ما هستید در بهبودی و سعادت احوال ما بذل مجهود نموده سعادت ما را ترقی دهید نه بر تنی و ذلت و پریشانی احوال ما بکوشید و آبرو ، فواید ، و حقوق ما را نگهدارید نه اینکه بر هیچ چیز ما ابناء نکرده عرض و ناموس ما را فدای مشتریات نفسان و مشتی اطرائی های خود نمائید و بکلی صرف نظر از آت حقوق مذکوره ما کنید

ما کاری بافصال تنگستانی ها که چند سال پیش کردند و لاحقین آنها هم نداریم و با آنهمه وضوح سرچشمه فساد غمض عین مسکرده این آخرها که در زمان آقا سید مرتضی امری رخ داد هم عقب هر انداخته عنی الله عما سلب میکنیم ولی این رفتار آخری جنابالی این قدر ما را مضطر و زار و زبون نموده که ابداً رعایت و مداخله بردار و بریدچوجه

عذر بذیر نیست و اگر هم جسارت و یا درازة نباشد خیال داریم که از مرحله اولی قدره بوسیده معلم مشروطیت از حوض حیوانیت یاد نیم و حتی یا نیم متمدن عروج نایم و قدری خودمان را دارای حقوق مدنیه قلم بدیم

اینست که بذریعه این عریضه بوسیده جریده فریده جبلالین و روزنامه مقدسه ایران نو زحمت اظهار چند کله مبادرت جسته به جنابالی عرضه میداریم که ما هم در عالم دارای حتی هستیم و بموجب معاهده منوره (کاکم راع کاکم مسئول عن رعیته) هیئت اجتماعیه ما بنا شده است و شرماً بحق هستیم که همین قدر که رفتار يك فرد ما محل آسایش و منافع ما بشمار آید تنقید نموده همدیگر را از نسکی و بدی مخبر ساخته ذمه خودمانرا از فرایض اجتماعیه فارغ سازیم ، و بنائیم که تا آنجائیکه عبدالطیف بگذارند پایند بدین اسلام هستیم

ما حالا کار باین نداریم که کنون بست و پنج سال است که جنابالی در خلیج حکومت کرده اید و باندازه يك حکومت محقر در اداره حکومت خود با آن همه اهمیت يك اصلاح جزئی که بتوان نام اصلاح بر آن بست نداده اید و يك نفر لایق در تمام اداره حکومتی پیدا نمیشود و کسی دانا مصدر کار نیست و يك دفتر خانه برای ثبت و ضبط خطوط وارده و صادره حکومتی که اسرار ماست وجود ندارد و شاید هم کسی بسگر این در این مدت نیافتاده است و پس از عزل هر حکومت خواه جنابالی یا دیگری تمام خطوط مهمه در کوجه و بازار و مکاتب در دست اطفال یافت میشوند اعتراض هم نمیکنیم که اداره حکومتی خلیج که دهنه ایران است و اهمیت کالی دارد آدمهای کاری تربیت یافته متدین میخواهد و همان تربیت و کاردانی خود تن که بوسیده جریده طیمس هند در تحت شایل مبارک با اخبار فرمودید کالی نیست و حرفهای بلند بلند و بقول ما بوشهری ها بمیو بکار نیاید

تمام این ها هدای قدم جنابالی ، فقط مرضی که داریم ایناست حالا که پس از آنهمه فداکاریها و اتلاف مال و منال سایر هموطنان ما تبریزها که در عالم از زمره نیم متدین محسوب شده ایم و در صدد اصلاح امور خود بلند شدیم سه سه

فارد که جناب عالی اشخاصیکه مطرود و مردود ما هستید دور خود تائب جمع فرموده آنها را وادار بی-ارت بازی و تخم نفاق درمیان مردم می‌افشاید، و اگر کسی هم در صدد جلوگیری برآید اولاً اگر ممکن باشد مثل مدیر اصلاح امر فرار و تحویف بقطع دست می‌نماید و الا او را بوسله همان بی ناموسان و قاچاق کنندگان وسوا می‌کنند و عایت و سد در جلو کارهای ما فراهم می‌آورید و اگر خدای مخواستگهی هم حسی در ما پیدا شد و در پی اشتکاو غرض احوال خود بمبادی عالی، برآمدیم تلگرافی را امر به نگاهداشتن مخبرات ما می‌نماید و این حتی هم یکی که برکت آزادی دلبان برای همه ایران حاصل است قبول خود می‌فرماید یعنی تا رسیدیکه مرحوم ملک خان پس از آنهمه زحمت و مجاهدات برای ما گرفت آنهم غصب می‌شود

ما تمام عرایض و شکایت‌های خودمان به تفصیل در تحت عنوانات فوق هر یک جداگانه به مبادی رسیده عرضه داشته ایم و سبب تطویل و ماندن خودتان در نواحی حایره نیز کاملاً با جهات اصلی و مقاصد تان عرضه نموده ایم و حالاً نیز محض اطلاع افراد ملت اجلاً تصریح کوچکی نموده تا مردم بدانند که جهة عقب ماندن اهالی جنوب چیست و بالفرض هم که جراید این عریضه مارا درج فرمایند ترجمه آن بزبان خارجه خیلی آسان است و اشخاصی هم هستند که وجه اندراج آت را بعنوان اعلان مجراید خارجه می‌پردازند

بندر عباس

هنه قبل از شرح حالات میر احمد شاه که کلانتر شمیلات شده بود عرض کردم قریب ده هیجده هزار تومان به عنوان ملت و دولت، رعایا را غارت کرده بآنهمه اکتفا نکرده به نایب الحکومه عباسی که جناب مصباح دیوان است می‌نویسد، که باز رعایا سر یاعیگری پیش گرفته، توب، سرباز تفنگچی فرستید،

جناب مصباح توب، تفنگچی، سرباز حرکت میدهد، رعایا عموماً نزد مصباح آمده که تمام ماها اطاعت و رعیت هستیم و مالیات میدهم حرف حساب ماها این است که میر احمد میخواهد

به کلانتر، خلاصه تمام رعایا در شمیلات هرکس قریب ده خود سند مالیاتی می‌سپارد که بانزده روز تمام مالیات به عباسی تحویل بدهیم و دفع و عزل این ظالم کرده مانبد، به محض آنکه میرزا احمد ملتفت می‌شود که رعایا سند مالیاتی داده‌اند که مالیات خودشان را ۱۵ روزه کارسازی نمایند فرار میکنند، از خوف اینکه مبدا حساب جرم و جریمه و ماخوذی آن بکشند، تمام علما و سادات و تجار رضایت و تشکر از جناب مصباح می‌نمایند که دست این ظالم کوتاه کرده است

میر احمد بهوای اینکه می‌روم عباسی و تعارف داده کار پیش برم و مجدد کلانتری گرفته رکشته دمار از رعایا بیرون می‌آورم می‌آید عباسی، رعایا هم تمام پناه به شیخ علی مجتهد آوردند که محض رضای خدا دفع شر این ظالم از سر آنها بکند، جناب شیخ جمیع و حکومت میخواهد منزل خود عموم رعایا متنقظ از مصباح خواهش گرفتن میر احمد شاه کرده و فوراً او را در عباسی میگیرند، حالا مالیاتی کتشاف جرم و غارتی رعایا بایست، فقط طلب جشیدیان سزده هزار تومان است که سه سال است طلب دارد، هر وقت هم جشیدیان عارض شده میر احمد مبنی تعارف بحکومت داده دست و پا کرده است حالا عارض به مصباح شده است البته مصباح هم طلب جشیدیان و هم حقوق غارتی و جرم رعایا را پس بگیرد هموم آسوده و دعا گو شوند

امروز عریضه که از آقا محمد رحیم و کر بلائی غلام شاه و عباس آقا علی اکبر و عباس آقا غلام حسن و شهریار ولد علی احمد و مشهدی شریف شمیلی و اسنای ۱۰۰ نفر رعیت آمده است که اگر حکومت مجبور این ظالم اجازه دهند ما دست عیال و امفال خود گرفته فرار به دوی و شارجه و بحرین نمائیم، زیرا که آب ملک ماها این می‌برد، عوامل، الاغ، شتر ماها قلوک و نیغار تجملات این می‌باشد مالیات از ماها می‌خواهد درین صورت فرار کرده باشم بهتر است این عریضه به جناب شیخ علی و جناب مصباح دیوان و عموم تجار کرده اند

واقعه تازه در بندر عباس

چند یوم قبل یک نفر از اجزاء کورک با دیگری مرافقه نموده و ظاهراً آن کسیکه اجزاء کورک بوده کتک

خوبه تفصیل را بدو گریه خانه عرض مینماید که امروز اول اداره منظم ایران می باشد، مدیر گریه بنایب الحکومه اطلاع داده نینیه ضارب را میخواهد، ولی از آنجائیکه ضارب نوکر دیگری بوده که ارباب آن آن در آفیس گریه پال کینی که تبعه انگلیس می باشد سمت نوکری دارد این خبر را به قونسلگری رسانیده اند، از قونسلگری حمایت نموده که باید اطمینان ایشان در قونسل گری ثابت شود و پس از ثبوت در قونسلگری اگر مجازات لازم باشد مجازات شود، حال ملاحظه فرمایند چه خبر است و با افعال کسی نیست بگوید ضارب رعیت و تبعه ایران مضروب نوکر دولت ایران، بچه قاعده باید در قونسلگری انگلیس استطاق شود، بی قاعده زور باید باشد و قانون تمدی که ضارب اگر چه تبعه و رعیت ایران است، اما ارباب آن که آنهم نیز تبعه و رعیت ایران است در آفیس انگلیسی بستگی دارد باین واسطه بسته به قونسلگری میباشد، با افعال ملاحظه فرمائید دیگر چگونه اعلی بندر خوب خود را تحت حمایت و دل بسته به همسایه نمایند، البته بعضی بملاحظه رفع ظلم و تمدی از خود و بعضی بملاحظه اینکه هرگاه شرارتی نمایند کسی نتواند مجازات دهد و به اقسام دیگر خود را بسته به همسایه تاجیبی خواهند نمود،

( م - ع )

گذاردند، مانند دلال فروش ایران ارفع الدوله و شریک دزدیهای ( نوز ) ابن الملک کارپرداز بغداد آیا در خیانت آنها شک و شبهه بود؟ آیا در اینکه نمایندگی آنها باطناً بلکه ظاهراً از طرف روس است شبهه میرود؟ یا للعجب آیا نتیجه این سهل انگاری اولیای دولت تکی و برای چه امر است معلوم نمی باشد، خیانت آنها بایران و وطن فروشیشان نه يك نه دو نه صد هزار هاست، آیا درین دوره نورايت که مشروطیتش نام نهاده ایم مأمورین باغ شاه چه خدمتی کرده اند که تاکنون باید رعایای فلك زده را در فشار ظلم و اجحاف آنها گذارد و عجباً اولیای دولت حدید توقع دارند که با بودن ارفع الدوله در اسلامبول اتحاد بین دولتین علیتین ایرانی و عثمانی بمصافحت باقی ماند! زهی خیال خام و خبی تصور نافرحام، ارفع الدوله این حیثیت و هستی را در سایه خدمت روس حاصل نموده شرفش در دلالتی بیع ایران و افتخارش در وطن فروشی و عبودیت روس است، اگر بلتیک روس اتحاد دولتین را تجویز نماید آنوقت میتوان گفت وجود ارفع الدوله در اسلامبول مضر بموالم اسلامیت نیست! باز هم میگوایم که اولیای دولت دارند در قباله در الدوله و نوجه های او در خارجه سهو میبرماید و وقتی ملتفت خواهند شد که زیامات آنها بدوره کنونی آشکار گردد

مکتوب از بغداد

از حرکات ثبانه و سلوک و ذیبلان مأمورین خارجه ایران عاقبت مقام منیع ریاست روحانی اسلام ناچار شده حکم صریح فرموده چنانچه در داخله انجمنهای ایالتی و ولایتی برای نضارت بر اعمال نمایندگان دولت منقذ است در خارجه هم انجمن های ملی باید ناظر بر حرکات و سکنات نمایندگان دولت باشند و گویا انجمن اخوت را مخصوصاً ناظر بر اعمال کارپرداز قرار دادند هر وقت سواد حکم را یافت برای درج در جلال المین خواهد فرستاد

عجب این است که بطور رجال دولت جدید مأمورین باغ شاه را که خیانت از هر حرا کنتشان حترشع بوده و هست (مانند تمبریکه تصویر نحس و غیره) تاکنون باقی و برقرار

ترجمه از روزنامه دلی میل

( ۹ دسبر از طهران )

( پارلمان ایران باین اسلوب افتتاح یافت )  
من از نمایش و زوق و برقرای ظاهری گذشته یکسر شما را می برم پشت برده همانجائی که تخمه ها را بیکدیگر وصل نموده برده های تیاتری مرتفع میگرد

در محوطه پارلمان چهل هزار نفر اجتماع داشتند برای چه؟ و ملاحظه کدام؟ آیا برای اینکه کبکبه و دبده پادشاهی را به بپند؟ آیا برای دیدن امرا و شاعران بود که با لباس همزانه و موقرانه آمد و شد می نمایند؟ نه، هرگز بلکه برای ابراز حیثیات درونی. چطور؟ برای اینکه این جماعت خیلی کبکبه شاهی و دبده امرا و

شاهزادگان را دیده و در حین عبورشان هم بر آنها نفرین نموده ، تمام توجه آنها بطرف همان صد نفر ساده بود که بوکالت خود انتخاب نموده بودند همان صد نفر که آنها را باوج خواهند رسانید یا بمحضیضشان خواهند کشاید ، امروز را یوم سرنوشت خود میدانند و ازین روست همه مردم جووه جووه شده تنگ گوش یکدیگر خوف و رجای خویش را طاهر میدارند

درمیان این جماعت قدری پلیس بد قواره بد لباس هم دیده می شد که مشغول بانظام و آرامی مردم بودند ، ولی این جماعت با کمال آرامی اوامر پلیس را شنوائی داشتند

### نمایش قشونی

بدواً موزیقا محیمان با ضرب های اروپائی که بگردن آویخته آمده و چنان معلوم می شد که ، روزی این هیئت تقلیدی بصورت استتباط خواهند کرائید ، سپس قشون محافظ که عبارت از سواران ، سربازان ، بدنمای ایرانی بودند آمده آهسته آهسته در حال نظام بی نظمی بطرف پارلمان حرکت کردند ، قصد من ازین بیان ادا استهزا نیست ، و نزد من این واقعه خیالی جالب نظر دقت نمیشد ، چه تازه شروع بکار نموده اند ، و اگر ایستاده همه روزه در میدان مشق چنانچه چه من می ایستم میدیدی که این سواران با کمال کراهت تحت افسران روسی مشق می کردند از چشمان خود اشک میریختی ، مانند من که مکرر اشک ریز شدم ، آنوقت میداستی که این جماعت غارت گران بازار و خانه ها را باین شکل امروزی در آوردن یا از روی شوق خود در آمدن ، مینمایند ، ایرانیان بخوبی احتیاج خود را بقشون فهمیده اند ، و الحال معلوم توان نمود که این شوق طبیعی برای آئینه ایران چه پیشینگونی مینماید ، من قبل از وقت نیکویم که این واقعات دال است بر اینکه ایران آینده میخواید در آسیا یک دولت عسکری درستی بشود ، چه هنوز قشون ایران را مانند پارلمان آب مسافت دور و درازی در پیش است که باید بمرور زمان به چماید ، ولی همین قدر میگویم که این ملت جگر سوخته تازه چشم باز نموده با آنها فشار همسایگان کمال می و کوشش را در درستی خود و استقلال سلطنت خویش دارد

### آمد آمد وکلای ملی

از آن بد وکلای ملی آمدند که در گفتار بسیار نرم ، و در مسلک و رفتار بسیار سخت آمده این هیئت وکلا در ظاهر داری وساده پسندی چنان می نمایند که هیچ حصه از نایبشات بزرگ دیپلماتی را دارا نمیشاند ، ولی نباید از سادگی و نرمی و خوش ظاهری آنها کول خورد ، افتخار این وکلا امروز از فخریه شاهزادگان بزرگ بسی زیاد است ، و این فخر آنها شخصی نیست بلکه فخر نوعی ملی است ، فقط کسی که در آنها دیده می شود آنست که تمام شائبه از یک حمیره نیستند ، همه صاحب هوشند و غالب خوش تقریر ، بعضی تعلیم یافته اند ، و چند نفری از آمان دارای مغزو که میباشند ، این بیان حیثیت واقعی و کیفیت تحقیق وکلا را معلوم میدارد

### کجک وزیرا

من بعد هیئت کابینه با لباسهای بسیار فاخر که درمیان آنها سپه دار عاقل مضبوط بود که برای ایران نو حکم ( الیور کرمول ) را دارد آمد ، اگر چه میدانم دشمنان در حق او چه میگویند ، ولی من می بینم آن دماغ بالا آمده و چشمان درخشان او را ، و نیز درمیان آنها خرامان بود سردار اسعد با قد کوتاه و سیلبرهای جوگندی که خیلی ملام و ساده و منکر المزاج و حلیم ، مانند سایر بختیاربان برغصه که نصب خود را مستور داشته برای روز انتقام ، من با این دو سردار شخصاً ملاقات نموده و صحبت داشتم و دست بدستان داده و بچشمان شان نگاه کردم ، من بشا زیاده بر این نیکویم و در قول خود بشا ايقان میدهم که در جنگ های روایسیون ایران این دو سردار یکی ( لارد کفچر ) است و دیگری ( لارد رابرت )

### آمدن هیئت دیپلماتهای دول

از آن بد هیئت دیپلماتی دول و اعضای بزرگ سفارت خانه ها با کلاه های موج مثلث و سینه های فراخ گلابتون دوزی طلائی آمدند که ننگرانی کنند پارلمان را و بهبودی بخشند او را ، آیا تمام آنها بهبودی پارلمان ایران را خواهند...؟! این جماعت چیر بر چین زده و نگاه بیابین انداخته مانند کلاب نظر به بالا نه میکنند مگر خون خوارانه دل بر بدن نامشمار

تاریخ زبان را با نقالت بگردش آورده که این کیست ، دیپلماتی روس ، آنت انگلیس ، آلمان ، فرانس ، بلژیک ، ایتالی ، امریکا ، عثمانی اروپائی ها نمیدانند و کم خیال میکنند که در کون ایران چه و در کله ایرانیان چیست ، ولی ایرانیان میدانند که اروپائیان در حق آنها چه مد نذر دارند و در پیش رفت مقاصد شان چه پیش نهاد کرده ، و ایرانیان غور می نمایند بر آنچه اروپائیان در حق آنها پیش نهاد کرده اند

( کبکبه شاهی )

بعد ازین ها آمد آمد شاه شد که جوانیست یازده ساله ، فربه ، خوب صورت ، با چشمهای گشاده و درخشان بمعبت نایب السلطنه که پیرست هفتاد ساله ، در آن حین این جمعیت بزرگ صدا را بزده باد بلند کردند ، ولی نه بقسی که از شوق و شمع از جامه خود بیرون رود ، بلکه با کمال نرمی و ملایمت میگفتند شاه باشد سلطان احمد شاه پسر پادشاه لاک لاک و نیره شاه لاک پشت ، (مثنی است بزبان انگلیسی) سلطان احمد شاه پادشاهی است که این تاج و تخت را از رویی ارث و استحقاق حاصل نموده و هیچگونه حق سلطنتی از روی میراث بر ایران ندارد ، البته معصوم و بی گناه است و بجایه ملت خود امیدوار ، درین موقع وقایع نگاران جراند لندن ، پاریس ، برلن ، پترسبرگ ، مشول به برداشتن عکس این هیئت بودند که در جراند خود باملیان بفرمانند که چگونه در ایران افتتاح پارلمان گردید .

باین دبدبه شاه وارد پارلمان شد ، شاه از جلو ، نایب السلطنه از عقب ، بموجب دستورالعملی که باو داده شده بود از بله بالا رفته باید بروی تخت خود بنی گیرد ، ولی شاه جواب مانند اینکه تخت را ندیده از تخت گذشت ، آیا می شود تخت باین بزرگی را ندیده باشد ؟ نایب السلطنه که کم جدید ملتفت نشده سعی بود که او را برگرداند تختش به نشاند ، اعلیحضرت خیال نایب السلطنه را دانست ولی باز نگشسته متوجه بهیئت دیپلماتی شده قدسی فراتر گذارده شایانه اظهار مراحم خسروانه نمود ، و این حرکت شاه آموخته قبل از وقت نبود ، بلکه این حرکت را این جواب از حرافت طبع فرمود که کیاست و ذکاوت او را

دلیل متین است ، مجدد نایب السلطنه پیر بی اختیار شده شاه را بطرف تخت میکشاند و شاه دامان و دست خود را حرکت میدهد ، درین موقع شاه رورا برگردانده متوجه وکلا شده قدسی پیش نهاده اظهار مرحمت فرمود ، باز نایب السلطنه بی صبرانه برای توجه شاه با دست خود بجانب تخت اشاره نمود ، اعلیحضرت در آن موقع بجانب چپ بازگشته قدسی پیش نهاده هیئت وزرا هم پذیرا خسروانه فرمود ، از آن بد موقرانه بجانب تخت رفته و مؤدبانه تا آخر مجلس ایستاد بدون آنکه هیچگونه ماشکیانی و اضطراب از ایشان نمایان گردد

نایب السلطنه علی الرسم نطق شاهانه را قرائت نمود ، چرا ، که ایشان پیرو آوازشان هم محبت بود ، شاه هم که کوچک بود و نمیتوانست قرائت نماید من درین موقع شاه بسیار جوان و نایب السلطنه بسیار پیر را که هر دو اعجوبه بودند چون اول و آخر دنیا از روی یک استعجاب بدیدم ، حالا حواهد فرمود نطق پادشاهی را کی قرائت کرد آنگس که نوشته بود ، کیست که مهر ارم صمصام تصدیق را نیکو بیان نماید ، سپه دار آن حق شاهی را قرائت کرد ، وقت قرائت نطق از جای خود حرکت کرده و در جلو تخت شاهانه تعظیم نموده ورقه نطق را از نایب السلطنه گرفته و پشت شاه و رو مجلس نموده شانه های خود را حرکت داده سپس بشمار سه بله پائین آمد ، و عرض آن از سه بله پائین آمدن یکی از مقام سلطنت دیگری از مقام بزرگان سوم بله را مقام عام تصور کرد ، یعنی روز بزرگی استبداد گذشت و جایگاه شاه در مقام عام قرار گرفت که بهترین مقامات است ، آری هر کسی بنح روز نوبت اوست ، امروز هم روز سپه دار است ، ولی فردا ، نه ، چه فردا روز پارلمان است ، سپه دار بسیار مضبوط و قابل و بهترین مقررین برای این نطق و قانع لایق و قابل ایران است ، ولی پارلمان باید از سپه دار لایق تر و هوشیارتر و مضبوط تر باشد ، ورنه باید تمام این نایشات را نقش بر آب دانست و با استقلال ایران خدا حافظی نمود

نطق شاهانه

( بسم الله تعالی شاه عزیز )

بیتام خداوند آزادی بخشن و بتوجه باطنی حضرت

ولی عصر (عج) ببارگی و مینت مجلس شورای ملی افتتاح میشود، مملکت محرومه ایران که قرون عدیده و خصوصاً این عصر اخیر را با کمال سکوت و سکونت گذرانده بود بالاخره باقتضای تربیه فکریه و ترقی مدارج عقیده ملت به طی دوره انقلاب ناگزیر قدم گذاشته و در ظرف سه سال این بحران عظیم را بانها رسانید و عقبات ابتدایه لازمه برای تکامل ملک را بپوده و شکر خدا را که ختم بخیر گشته و با کمال سعادت و خوشوقتی، اینک امروز می بینیم که مجلس مبعوثان ملت که نخستین دارالشورای ملی این سلطنت عظمی و دوره نتیجه زحمات طاقت فرسای یکملتی است بهمت و مجاهدات خود ملت و حسن مسانعت خیرخواهان ایران افتتاح میشود، امیدواریم که وکلای محرومه ما با کمال جد و خلوص نیت بهان تیرت و فعالیت که مملکت را باین سعادت رسانیده مداومت کرده وظایف مقدسه خود را با مواظبت تامه و باریک بینی و مال اندیشی حسن ایفا نموده، دولت من نیز سعی بلیغ و جد وای خود را در تأمین و تنظیم مملکت و ترقی مدارج مدنیت صرف خواهد نمود و نهایت خوشوقتم از اینکه دولت جدید ترقی پرور جالب قدر شناسی ملت و موجب امنیت و آسایش عمومی گشته و اندک اشتیاقات جزئی نیز که از طرف بعضی از اشخاص خائف از اعمال خویش در بعضی نقاط سر زده در شرف قلع بوده و دولت من با عزم راسخ معظم تصدیق آن است، بسیار خوشوقتم که مناسبات دوستانه ما با دول متحابه کاملاً برقرار و مستحکم است و از حسن نیت آنها در پیشرفت وضع جدید بسیار خوشنود و دوام استحکام آن را در آتیه امیدواریم. نگرانی و ملاقی که از حضور قشون خارجه در حال ایران بر اذهان مستولی است به احسن جریان مذاکرات دوستانه و نظر بوعاید صریحه و قیبه حسنه که در این باب مشاهده میبایم اطمینان کامل داریم که عملاً قریب رفع میشود، و برای شروع باساس اصلاحات مملکت و تشکیل حکومت مصلحه نخست وکلای ملت و وزیرای دولت باید اولی هم خود را مصروف تنظیم ادارات و ترتیب تشکیلات آنها مطابق اصول مملکت متمدنه بتدریج و مخصوصاً در اصلاحات مبهمه در مالیه مملکت و

تکمیل نظمی و امنیه و تأمین طرق و شوارع نموده مطابق پروگرام مفصله که هیئت وزرای ما در اصلاحات لازمه فوریه بمجلس پیش نهاد خواهند نمود با سرعت ممکنه نیت حسنه ما و مقاصد ملت را که هم موجبات آسایش ملت و باعث استحکام مشروطیت که موافق روح اسلامیت است میباشد بموقع اجرا خواهند گذاشت، از خداوند توفیقات وکلا و مبعوثان ملت را مسئلت نموده منمنی مزید شوقست استقلال و سعادت ملت هستیم

### بوشهر

جناب دریا پیگی حکمران وارد، انجمن ولایتی بهان اسلوب اولیه باقی، پست بناعده بلکه بی قاعده هم نپرسد، خبر قتل صدر راوحی که میگویند آیه الله طهرانی را مسموم نمود و بعد از مشروطیت هم مؤسس فتنه نایب حسین کاشی بود رسیده است راه های بوشهر هنوز منظم نشده و بیشتر اشتیاقات از کلاتران بر راه است و همچو کان می بایند اگر حکومت بوشهر مائل بامنیت باشد بعضی واقعات رخ نمیدهد، گره تازه که برای برتی حواس دولت رقصانده شده این است که سر بازار در بندر عباس و بوشهر برای نرسیدن مواجب خود از جامه شکیانی بیرون رفته (دست میر بچه مرزا) و عجب تر اینکه هنوز اداره حکومتی بنادر از بازگشت استبداد مأیوس نشده اقداماتشان هم همان است که بود، یک اداره از عدایه، نظمی، بلدی و - و - در طول و عرض خلیج نیست و تمام همشان در دخلهای غیر مشروع و چایدن بندگانی خداست

### شیراز

ایالت جلیله در کمال اقتدار است و چون جداً در صدد تشکیل اردوی صحیح برای فارس میباشد مضمون است که اقتدار ایالت امتدادی پیدا نماید نصرالدوله نایب الایاله شده، نایب الایاله کی ایشان از طهران است، از طهران جناب صوات الدوله را برای مخبرات حضوری در تلگرافخانه کاذرون طلب نموده و چند ساعت کامل مخبرات حضوری ایشان یا طهران طول کشید، افواه است که امنیت طرق فارس را بایشان سپرده و خواسته اند ولی هنوز راه ها امنیت کامل ندارند دو تلگراف از



لهران و اسنهان بنام نامی حجت الاسلام لاری  
بدانچه موجب ذیل رسید است

تلگراف وزارت داخله

توسط ایالت جلیله فارس خدمت جناب مستطاب  
حجت الاسلام ملاذالانام آقای حاجی سید عبدالحسین  
دامت افاضاته - شرح ورود جناب مستطاب عالی را  
بشیراز و توجهاتیکه در اصلاح امور و رفع اختلافات  
از طرف جناب عالی بعمل آمده است ایالت جلیله  
فارس تلگرافاً مزده داده بودند - موجب کمال تشکر  
و مسرت خاطر ارادت دخیار گردید، اگرچه محاسن  
نیات و اقدامات جناب مستطاب عالی در پیشرفت  
اساس مقدس مشروطیت و تدارک آسایش جمہور  
ملت و قلع ماده و نفاق و دویت همواره جالب  
تشکر از اولیای امور بوده و حالاً هم بدین ترتیب  
به اقتضای کمال بی عرضی و صلاح اندیشی ترتیب  
اصلاح حالات امور مملکتی را استقبال فرموده اند  
موجب نهایت تشکر و امتنانات قلبیه خود را برض  
مختصر اختصار و همواره مترصد زیارت مرقومات و  
بشارت سمت حالات و منتظر اقدامات مستحسنه در  
استحکام اساس مقدس در توجیحات این وجود محترم  
است ( وزیر داخله )

از اسنهان بشیراز

خدمت حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای حاجی  
سید عبدالحسین دامت برکاته - خدمات حضرت عالی  
در راه اجرایی قوانین عدل منظور نثار امام  
علیه السلام و ورود سعود را تبریک میگویم  
فرمایشات مستطابه را مترصد

( داعی شیخ نوراثة )

( حبیب الله بمرض ارادت مصدع )

محموره

چنانچه شهرت دارد در حدود تدارک انعقاد  
انجمن بلدی و انتخاب وکیل طهران هستند محموره و  
اطراف امن است، حکومت عربستان با سردار ارفع  
کمال اتحاد دارند و عنقریب هم ملایق شده دست  
بدمت یکدیگر داده خطه عربستان را از هر حیث  
امن و آرام خواهند ساخت، جناب فخرالملك تمام  
ادارات تمدنی را در دزفول و شوشتر دائر و  
در کار دائر کردن اند و خیلی بر امنیت این خطه  
افزوده اند، اگرچه بموه قاهره بدرجه کافی ندارند

ولی هرگاه چندی باین منوال باقی ماند چون جداً  
درصدد تشکیل اردو میباشد مقضی الامرام تواند شد  
اخبارات خارجه

در ( مردون شوین ) در ( رجسنت ) آلمان  
اظہار داشت که اتحاد فرانسه و آلمان درباره  
( مراکو ) نتیجه نیکی بخشیده و فراسه با کمال بیغرضی  
رئیس کرده - دولت باژیک دستور العملی را که  
درباره اصلاح ( کانگو ) داده اگر بطور کافی  
اعمال شود بهبودی کامل محال اهالی ( کانگو ) حاصل  
خواهد شد و آزادی تجارت بین الملل باقی خواهد ماند  
در شعبه راه آهن انگلیسی از کیمپ الی قاهره  
در سرحد ( کانگو ) ۱۱ دسمبر افتتاح یافت  
در بموجب خبر ( واشنگتن ) جہاز موشک ( تاکوما )  
را حکم برهن ( بلوفیند ) شده و یک فروید جہاز حال  
با ( ۷۰۰ ) خلاصی بسمت ( کولون ) می رود  
در تلگرافی از ( بروکسل ) رسیده که پادشاه  
بلژیک بحالت سخت بر فراش - ساری افتاده ،  
خاندان شاهی با رئیس اوزرا برمالی ایشان حاضرند،  
مرض پادشاه استسقا میباشد ، دوکتران تمویز  
نموده اند که باید شکم پادشاه را بشتر نمود -  
شکم او بشدت درد دارد و روز بروز ضعیف تر  
می شود

در خبر رسیده که ملای سومالی نزدیک ( جدیدہ )  
آمده و بسیاری از اهالی آنجا با او همراهی  
نموده اند

در ماه اپریل گذشته در اعتشاش ( ادانا )  
( ۲۶ ) نفر مسلمانم قتل رسیده است

در بموجب تلگراف اسلامبول سؤالی که در مجلس  
شورای ملی شرکت ( لنج و جدیدہ کبابی ) جہت ایاب  
و ذهاب جہازات دجاہ و فرات بحث شده - جماعتی  
مخالفات اظهار نمودند که در شروط مقاضه طامری شود  
و در مجلس ملی باید نظر بر این مسئله شود  
رئیس الوزرا در جواب گفت که از روی شروط  
علم ترکی بجای انگلیسی قائم و خیلی مفید واقع  
خواهد شد - و اگر احیاناً این شرکت نامه نامنطور  
شود وزارت استفسا خواهد نمود - فعلاً بحث  
درین مسئله تعطیل شده است -

در تلگرافی از اسلامبول رسیده که مجلس ملی مجدداً  
شروع بمباحثه شرکت کبابی لنج و جدیدہ نمود

حکومت با اکثریت آرای ( ۱۶۸ ) برخلاف ( ۸ ) غالب آمد -

§ رسماً بیان شد، که در وضع ( سومالی لند ) تغییری واقع نشده و موجب پریشانی نیست -

§ ( مستر بیریل ) امروز در ( نشرل لبرل کلب ) تمثال ( مستر اسکوت ) را بدست گرفته بیان کرد که ( مستر اسکوت ) رئیس اوزرانیست که حفظ حقوق رعایا را از اجحافات و مداخلت لاردها نموده است

§ از خبر حمله بردن قبائل ( کورا ) که ساکنان بین ( حدیده ) و ( ساما ) هستند بر يك از قافله که متجاوز از ( ۵۰ ) شتر حامل بار هم بود واز ( حدیده ) به ( زیدیه ) میرفته ظاهر شده که اهالی قافله را نیز مقید نموده اند تخمین خساره ( ۴۰۰۰۰ ) دلار است قبائل ( کورا ) مطالبه ۸۰۰۰ مینماید و امثال قبائل ( زارنیک ) اینها قوم بادیه نشین هستند

از دول محافظ کریت به دولت عمان ارقام داشته، که این موقع قیام امارت مخصوصی در کریت نیست § تلگراف ملبورن احکام تلگرافی مجلس ملی را به امیرالبحر در خصوص ساختن يك جهاز جنگی و يك کروزیار ظاهر میدارد

§ از تلگراف ویلنگتن ظاهر می شود که يك لایحه قانون بحری به امضای مجلس ملی رسیده که دو آن برای تعمیر يك ( دریدنات ) و دادن وجه اعانه برای محکمه بحری را تدارك دیده اند

§ در حصه شرقی ( لندن ) اظهار بشناخت زیاد مینمایند که تدارك جهازات ( دریدنات ) جدید برای دریایچه طمس از این به بعد خواهد شد و موقع کار کردن به مزدوران حاصل خواهد آمد از سنه ۱۸۹۶ هجریک از جهازات در آنها ساخته نشده است § مجلس ملی فرانسه در خصوص تعرفه گمرک پس از بحث تصویه نموده که بر ابریشم ژاپون عایدات گمرک کم سه و ربع و زیاد بحساب ( ۶ ) اضافه باید نمود

§ ریسبان ( نیسالیته ) امریکا را در لیور پول نهایت پسندیده و بحساب ( ۱۰ ) پنس فی رطل فروش رفته است

§ در مجلس ملی آلمان تحویلدار مالیه مشهور نموده که

قرضه ( ۲۶ ) ملیون لیرا برای بر کردن جای خالی خزانه بتدریج گرفته خواهد شد که در رواج کارها هرج و مرج واقع نشود و وعده نموده که برای انتظام آینده مالیه چنان اصولی را پیش خواهد گرفت که ضرورت مبلغ گزاف قرضه نشود

§ ( برنس هنری آلمان ) به ( داکتر لن ) تلگراف نموده که این امر ناملط است که دولت آلمان در جهازات جنگی در ( دریای شمالی ) جبهه شکست دادن به انگلیس - ان جام صحت نوشیده - برنس مزبور کرا را میگوید که ما انگلیس را به نظر اعزاز و وقت می نگریم -

§ در ( ماناگوا ) بلوایی نمودار شد -

§ ( ترینت ) در مشرقی ( لوترا ) ( مسز هالدین ) در جواب سؤالی اظهار داشت که خیال وی این نیست که دولت آلمان هرگز بر انگلستان حمله نماید § از ( اوتاوا ) تلگرافی رسیده که در مجلس شورایی ملی ( مستر فیلدینگ ) ضمن بحث در مسئله بودجه اظهار داشت که تخمینه مداخل ۹۷ ملیون دلار و اندازة مصارف ۸۱ ملیون میباشد ، حکومت را اراده اینست که مخارج بحریه را از این اضافه به نماید

§ اعلان رسمی ( پترزبرگ ) صادر شده منکر است از اینکه بین دولتین روس و ژاپون کدورتی واقع شده است - این زمان بین دولتین منزهترین کمال اتحاد است خاصه از بعد عهدنامه حالیه استحکام در اتحاد پیدا شده است -

§ تلگراف ( برلن ) ظاهر میدارد که عهدنامه جدیدی بین انگلیس و آلمان امضا یافته و بموجب آن در ( کوریا ) نشان های تجارتی خود را محافظت خواهند نمود - جماعتی که نشان سندی تجارتی را معمول بدارند قونسل متبوعه شان آنها را سزا خواهند داد -

§ بموجب تلگرافی که از ( بروکسل ) رسیده که بسبب مرض اندرونی جراحی که به ( پادشاه لیوبلد ) شده چندان مفید نگردیده و روز بروز حالشان بدتر می شود

§ ( سرارلست کاسل ) این ابام در ( برلن ) میباشد - مظلون است که تدارك اشتراك انگلیسی را در راه آهن بشناسد می نماید -

(جبل‌النبین کلکته)

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

PUBLIC HEALTH OFFICE  
1, MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA

(کلیه امور اداره با)

مدیر کل مؤیدالاسلام است

(هر دوشنبه طبع)

(سه شنبه توزیع میشود)

(یوم دوشنبه)

(۲۷ ذیحجه ۱۳۲۷ هجری)

(مصادف با)

(۱۰ جنوری ۱۹۱۰ میلادی)

ولا حق اخذ ابرو بدون قفل ندارند و تاوقتیکه  
(مشترکین را قبض مخصوص سال هفدهم دست نیابد)  
(دفعه شان بره شناخته میشود)

نامه مقدمه

# المبتدیان

سنة ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

(قیمت اشترک)

(سالاہ — شش ماهه)

(و بره)

(۱۲ روپہ - ۷ روپہ)

(یران و افغانستان)

(۴۰ فران — ۲۰ قران)

(عراق و مصر)

(۴ بی — ۳ مجدی)

(روپا و چین)

۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک

(روس و ترکستان)

۱۰ مات — ۶ منات

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منابع دولتی و نواید ملی بحث میشود  
(مقالات عام‌المفہه مقبول و در اشارش اداره آرادت)

## تنزل ایران را علت چیست

درین مقام ما کار بادوار سالفه نداریم یک نظر سطح بدو سه قرن تاریخ ایران اداخته ملاحظه می‌نمایم که از عهد سنویه تاکنون در اوضاع تعلیمی، صناعی، زراعتی، تجارتی ایران چندان تفاوتی به نظر نمی‌آید و اگر هم در یکی ازین مواد فرق پیدا شده یعنی ترقی و تنزلی پیش آمده جزئی، و نمیتوان علت‌العلل ترقی و تنزل یک ملت و دولتش قرار داد، و اگر درست غور شود خواهیم دید در مواد مذکوره بر حسب قرون ساله ترقی نموده ایم نه تنزل، و حال آنکه حیثیت سلطنتی ما بدرجات شقی تنزل نموده ازین رو نمیتوان علت ترقی و تنزل را مواد مذکوره قرار دهیم

همین که در غامضات تاریخی باریک شویم خواهیم دید که یک ماده دیگر درین دو سه قرن در ما کم و بیش شده و چون عور نمائیم خواهیم دانست که در ترقی و تنزل آن ماده دولت ما نیز ترقی و تنزل عمده نمودار نموده است و از آن رو خواهیم دید امروزه آن ماده در ما موجود نیست. از آن استنباط خواهد شد که علت تنزل کنونی ما هم از فقدان آن ماده است و آن ماده عبارت از قوای لشکری است

مقاله در تاریخ ملاحظه شود مدوآ سلاطین صفویه هم خود را در ازدیاد قوای عسکریه مصروف داشته ملت و دولت ایران را دارای اعتبار و شرف و اهت و اجلال نمودند و بر سلاطین عظیم‌الشان برتری جسته ملت هم علاوه بر کسب شرف و اعتبار امیت از آن سر تا آن سر مملکت احاطه کرده مردم ما کمال رفاهیت تکسب و کار و جلب پروت و تجارت و زراعت و صناعت برداخته من حیث المجموع ترقی علمیشان هم از دیگران کم نبود

عهد شاه سلطان حسین را که ملاحظه می‌نمایم می‌بینیم که حیثیت‌های مذکور تمام در ایرانیان موجود بود، فقط چیزی که متروک شناخته می‌شد قوه عسکریه بود که در قلیل زمان ایران را بدان حال خراب کشاید و جمیع حیثیت‌ها و مزایای ایرانیان را بر باد داده و نبودیت و اسارت و بدبختی برای آنها دعوت کرده تا حائیکه داعی بر اضحلال آنان گردید

در عهد اضحلال کوکب نادری درخشید و بحکم ایرانیان مرده روح تازه دمید و نام ایران پیش از پیش شرق و غرب عالم را بافتخار احاطه کرد، درست که غور مینماییم می‌بینیم که نادر نه برای ایران مدارس باز کرد، نه بر زراعت افزود،

نه کارخامجات تجارتي و صنايعي آورد ، در عرصه چند سال قوم مرده گم نام ايران که جز به پستی و بی علمی نامشان در عالم نمر نبود اول قوم فاضل با شرف و عزت و افتخار بشار آمد و حال آنکه محسوس است نادر جز اینکه قوای عسکریه مملکت را تحت انتظام آورد هیچکاری دیگر نمود همین قسم در سلسله قاجاریه تا زمان محمد خان و عباس میرزا که توجه به اصلاح قشون داشتند ایران را دارای هیچ عیب و نقص ندانسته ، قوی ترین و ظالم ترین دول که فرانسه بود از عرب دست نوسل بدامان اتحاد آمان دراز نمود و از وقتی که پادشاهان ایران سلب توجه از تصدیح قوای عسکری نموده ایران و ایران را در انوار دور و نزدیک پست ساخته و مرعوب که تصور آید بروی آنها هاند ، جاهل خواندند ، نالایق شمردند ، غیر قابل آزادی و استقلال گفتند ، صغیر تصور کرده خویش را قیم خواستند ، تا جایکه خانه موروثه شش هزار ساله ما را علناً همسایگان بن خود تقسیم نموده قشون در حاک ما راندند ، حالا هم میخواهند بضر بگنگ چند کروار تومان بخلق ما ریخته بوسیله مستشار های خودشان به قیمومیت خویش عمل نمایند و از بس این سخنان را در گوش ما گفته و در عالم انتشار داده بر عالمیان که مشبه نموده سهل است بسیاری از ایرانیان را این سخنان واهی در قلوب جای گیر شده که از خود محروم گردیده خویشتن را قابل استقلال و ترقی و آزادی تصور نمی نمایند و حال آنکه چون بدقت بگردیم علم ، صنعت ، تجارت ، ترقی زراعت ایرانیان امروزه نسبت بدوره صفویه و ایام نادری يك برده حکرده است فقط چیزیکه از ایران منقود شده یعنی در ایام صفویه و نادر داشته و امروز ندارند همانا قوه عسکری است و بس ، و جمیع عیوباتی که بروی ملت و دولت ایران گذارده می شود از نداشتن همان يك قوه است ، ایجا شاید بعضی ها تصور نمایند که درست است ما نسبت به صفویه و نادر در همه چیز غیر قوای قاهره ترقی کرده ایم ولی دیگران باندازه ترقی کرده که ترقی ما در جنب آن درجه صفر را داراست - رفع این

اشکال نیز در مقایسه حال امروزه دول همجوار حل خواهد گردید چون تاریخ را ما قصه بنداشته نتیجه نمیگیریم خوب است عطف توجه را بمحسوسات بازگردانده اندکی بحال حالیه دول همجوار خود غور نموده شاید از شیرین زبانیهای تاریخ خودمان بهره توانیم گرفت با نظر دقت در کون مملکت و ملت روس ننگریسته به بینیم جز قوای لشکری در علم ، صنعت ، تجارت ، زراعت ، چه مزیتی بر ما دارند همین که بروی داد تجارتي دنیا نظر می افکنیم مشاهده می کنیم که روسها بحیثیت صنعت و زراعت و تجارت پست ترین دول روی زمین محسوب و درجه احتیاجاتشان بحارجه براتب از ما پشراست ، در فنون زراعتی هیچ مزیتی بر ما ندارند ، در تجارت با آن وسعت مملکت و کثرت نفوس از روی مساحت و عده نفوس خیلی از ما عقب اند ، احصار تجارتي که روس نموده خود دلیل است بر عقب بودن او در تجارت از دیگران ، و اگر آن گمرک سنگیر را بروی مال التجاره خارج در ورود بخاک خود نمیگذارد از افتقار مملکت او ورشکست می شد ، و مشهود است که تا قبل از تعرفه جدید گمرک ایران سالی مبالغی کرباس و کنش و دستکاریهای ایران بروسیه میرفت و این خود دلیل بر عدم مزیت تجارت و صنعت روس بر ایران است و با آن مملکت وسیع که روس راست و باضاق جغرافیایی گنجایش همت برابر نفوس حالیه او را از هرجهه دازد ، باز هم ملاحظه می شود که سالی ملیونها اجناس زراعتی ما بروسیه میرود ، این هم دلیل است بر عقب بودن آنها در زراعت از ما ، اگرچه این مراتب بالاصاله قلت تعلیم آنها را نسبت با ایرانیان مدلل میدارد ولی از روی سر شمار هم هرگاه مذاقه شود اگر روسها در صدی همت تعلیم یافته باشند ایرانیان در صدی پانزده اند ، همین نسبت ها را ایرانیان با برادران عثمانی خود دارند یعنی از روی صنعت تجارت زراعت و تعلیم بر آنها تقدم دارند و برای این امور حسیه شواهد و پینه باندازه است حکه قابل انکار نمیباشد ، فقط چیزیکه عیوب آنها و

محسنت ما را پوشانده داشتن آنها و نداشتن ما قوای  
عسکره است و بس، و هرگاه دولتی روس و عثمانی  
دارای این قوت موجوده نبودند قطعاً حالشان از  
ما بدتر و آنچه امروزه در حق ما میسریند بیشتر  
و بدتر او را در حق آنها میسریندند

از دو همایه مقتدر خود که خیل در افطار  
ما قلبه می نمایند صرف نظر نموده توجی بجانب  
افغان میبایم که در علم، زراعت، صنعت، تجارت،  
یا ایران بهیچوجه منالوجوه طرف قیاس نتواند شد  
و بتصدیق دوست و دشمن و اجماع ملل ایرانیان  
در علم زراعت صنعت تجارت بر افغانان بدرجات  
مزیت دارد، پس چرا آن گربه مان که برای ایران  
میرقصاند برای افغان نمیرقصانند، و آن حرفها که  
در حق ما میگویند تمام برای این است که افغانستان  
بمحیثت خود دارای قوای عسکری و ایران باندازه  
خویش دارای آن نیست

ازین بیانات بخوبی ظاهراً گردید که میزان تمدن و  
قابلیت هر ملت و دولت همان قوای عسکره اوست  
چنانچه می بینیم با اینکه ملت و دولت روس و حتی  
ترین ملل و دول روی زمین و جاهل ترین وی  
کاره ترین خلق خدایند چون قوای عسکره دارند  
هیچکس سلب استحقاق استقلال را از آنها نمی نماید  
ولی ما که در همه چیز مزیت بر روس و سایر  
همسایگان خود داریم چون از قوای قشونی محروم  
میباشیم لایق هر عیب و سرزشتی شده ایم

ایرانیان راست که اگر افتخار ششزار ساله  
خود را میخواهند، استقلال میجویند، شرف ملیت  
میزنهند، حسن دیانت می شناسند، بدو چشم از جمیع  
تأیبات و زیبائیهای دول و ملل متمدنه پوشیده  
قوای عسکری خود را قائم نمایند که دارای جمیع  
محسنت تمدنی شناخته خواهند آمد و هر نقصی هم  
که در محسنت تمدنی داشته باشند در سایه قوای  
عسکری بشتاب باد و برق تکمیل خواهد پذیرفت  
اگر ایرانیان اندکی بتواریخ آباء خویش رجوع  
نمایند خواهند دید که هماره افتخارات ایران عسکری  
بوده یعنی ایران در عالم بدولت عسکری نامزد بود  
و هر مزیتی هم که حاصل نمودند در سایه همین  
قوت بوده، این نکته را هم باید دانست که از بعد

محمد خان و عباس میرزا یعنی از بعد جنگ آخری  
روس قوای عسکری ایران روز بروز نابود تا بعد  
از جنگ با انگلیس در پوشهر بر همسایگان ماهیت  
قوای عسکری ایران ظاهراً گردید و از آن بعد  
همه روزه همسایگان بنای زیاد روی بر ما نهاده  
بر نفوذ و رسوخ خود در داخله ما افزودند، تا  
زمانیکه ناصرالدین شاه بی بدین نکته برده در صده  
اصلاح قوای لشکری بر آمده خواست تجدید قوت  
نماید این بود که معلمین اطریش را جلب کرده  
بدست یاری مرحوم میرزا حسین خان مشیرالدوله  
سپهسالار زدیک بود که آب و رنگی بروی قشون  
ایران بیاید، به اسباب چیدهای روس میرزا حسین خان  
معزول و اطریش ها را جواب گفته بجای آنات  
کرنلهای روس جلب و ترتیب چند دسته قزاق  
دادند، از آن روزی که پای صاحب مه بان روس  
بایران رسید ساعت بساعت و آن بان از قوای  
عسکری ایران کاست تا بدرجه حالیه که صفر است  
رسید و در حقیقت قوای دولت منحصر بهزار و  
هفتصد نفر قزاق شد و خدمات آنها نیز با آن  
مصارف گزاف ظاهر و قوت آن هم در مقابل یک  
مشت ملتبان و بختیاریان آشکار گردید

ایرانیان بداند همسایگانشان هرگز مایل باصلاح  
قوای عسکره آنها نمیباشند و اضمحلال قوایشان هم  
بواسطه آنها شده اینک که مایل باصلاح قوای  
عسکری هستند لازم است مواد دیر را مراعات نمایند  
(۱) شاوده را از روی صحت بریزند نه اینکه  
جهان اصلاحات سرسری قناعت شود که حکم قش  
بر آب را خواهد داشت، ما نمیگویم فعلاً صرف  
نظر از قشون حالیه شود ولی باید چند فوج مخصوص  
را از نو ترتیب داده شاوده خود قرار دهیم و  
متدرجاً از افواج قدیمه کاسته بر آنها بینزایم

(۲) باید ترتیبی در بودجه ملاحظه شود که  
نسبت بسابق مصارف قشونی ما زیاده و هر ساله نیز  
بر آن افزوده شود و اگر استقراض هم بکنند عمده  
آن صرف اصلاح قشون گردد، چه سایر اصلاحات  
آب و رنگ یا قش بر آب است و اساس استقلال  
مملکت بر قشون است و بس، هر فوجی که در  
ایران از روی صحت ترتیب داده شود یک میلیون

میدانستیم از چه تئیل و بجه اصول بود. این دور  
هر اسلحه که میخرند سی نمایند که دست قلب در  
او دراز نشده و تازه و مروج باشد یعنی با کرم  
باشد نه یائسه »

(۶) شرف اهل نظام را بافسران و سرداران  
افتخاری نه برند و بدون خدمت نظامی نشان و  
و حائل و موجب فوجی را بر باد نه نمایند و  
صاحب منصبان خارج از فوج را برای شرف  
نظام ازین اساسی بلا مسمی خارج نمایند و حقیقت  
شرف نصاب که مجاهدین حقیقی آنهاست محفوظ دارند  
و فضیلت مجاهدین را بر قاعدین تسلیم کنند

(۷) از قشون کار بگیرند و به بیماری و  
تبلی عذر را و افوری و بی کار نسازند جمیع  
راه های آس و شوسه روسیه را قشون تعبیر  
نمود است قشون باید همه روزه مشغول مشق باشد  
۱۸۱ قشون باید بر حسب ایالات و حکومت  
مراکز رده باندازه موزونیت و لزوم آن مراکز  
تسیم شود مراکز قشونی بیشتر باید در سرحدات  
معین شود

(۹) رای هر صوبه باید از حکومتانها و  
ایلاتی های همان صوبه گرفته شود و رنه توجیحی و  
سربلذ آذربایجان بدرد بلوچستان و بنادر نمیخورد  
و حز آنچه امروزه بار آورده بار نخواهند آورد  
(۱۰) آنچه ذکر کردیم برای تشکیلات آنی  
بوده ولی ایران باید بر طبق قانون اساسی قوانینی  
برای مشق اجباری ملت امضا نموده از روی قاعده  
جمیع ملت را به تدریج تحت نظام آورد برای روز  
مبادا. از روی قانون که بنا شود تمام افراد ملت  
تحت نظام آید چندی طول نخواهد کشید که دولت  
دارای یک کرور قشون مشق دیده ایلاتی و کوهستانی  
خواهد شد و چند کرور ملت هم که تحت نظام  
آرند سیاهی لشکر خواهند بود. غرض این است که  
جمیع سعادتها و شرافتهای ایران در تحت اصلاح  
قوای عسکری محفوظ تواند ماند و بدون قوای جنکی  
هیچ کاری از پیش مان نخواهد رفت. بد بختانه تا  
کنون هیچگونه توجیحی خاص از روی صحت در این  
اداره دیده نمیشود

لیرا بر اعتبار مات و دولت ایران در بازار صرافان  
فرانک میافزاید. هرگاه اعتبار میخواستیم باید قشون  
مرتب داریم. ملیونها تجارتخانه. صد مدارس. صدها  
دارالعلوم. شورای ملی. ادارات مرتب و و و و  
جوی برای اعتبار و استقلال بدرد نمیخورد. اینها  
تمام برای نمانش قوای عسکری یا مقدمه آن است.  
استقلال مملکت یا اعتبار نزد اجانب قوای عسکریه  
است و ایران باید پیش از سایر دول در اصلاح  
قشون خویش بکوشد یعنی بحیثیت خود باید پیش  
از دول سایر خرج نماید. چرا که از صد سال باین  
طرف هر روزه قوای عسکریه ایران دارد مضحک  
می شود تا بمقام منور رسیده یعنی بی شالوده است و  
از نو باید شالوده آن را بگذارند

(۳) خطای بنی که سابقین کرده اند گرفتن  
قشون از دهات و املاک و صرف نظر از کوهستانها  
و ایلات است اهالی دهات و زراع مردمان بزدل حیاند  
دولت باید قشون را از مردمان پر دل شجیع  
کوهستان و ایلات بگیرد. بقول جراند انگلیسی شجاعت  
قشون دهاتی حتی قزاقان تربیت شده روسی درین  
انقلاب اخیر ایران ظاهر گردید. سلاطین آل قاجار  
از جن خود قشون از ایلات و کوهستانها نمیگرفتند  
اگر دولت ترتیب قشون را از کوهستانها و ایلات  
بدهد اولین قشون جرار غیر فرار عالم دارا تواند گردید  
و خیلی هم سهل المئونه و خدمت گذار تر خواهند شد  
(۴) مشاق قشون ایران ولو در سرحدات هم باشد  
از روس و انگلیس نباید گرفته شود که بجای شهد  
سم بار خواهند آورد. برای نمونه قزاقان موجودند  
و در عرض سی سال مصروف که برای یک مشت  
قزاق شده صرف یک اردوی بزرگ بود. بهترین  
افسر برای قشون بری آلمانی است ولی هرگاه  
اشکالی پیش آید و فوری رفع آن را نتوان نمود  
از ژاپون وسوز استفاده شود

(۵) قشون ایران ولو امروزه کم باشد باید  
قشون مرتب صحیح با اسلحه جدید یعنی با بهترین  
اسلحه های جدید امروزه مسلح باشند در جنگ  
انگلیس و ترنسوال و روس و ژاپون محسنت  
و معایب اسلحه تازه و کهنه بخوبی آشکارا گردید  
بد بختانه وضع خرید اسلحه دولت را در دور استبداد

ترجمه از روزنامه ( تان )

( مورخه ۱۹ نومبر ۱۹۰۹ )

( آرٹیکل پلٹیکی )

( ایران پارلمنت مدار )

دوشنبه گذشته دویم پارلمنت هیئت دولت جدید ایران مراسم افتتاح خود را بعمل آورده است. دیروز رئیس مجلس تلگرافهای تبریک دول خارجه را قرائت کرده و اول آنها تلگراف تبریک فرانسه بود و ما خوشوقت هستیم از اینکه ملت ایران که کشتی ملی آن را در راه آزادی و مشروطه با کمال محبت می دیدیم این دلیل رسی محبت فرانسه و نسبت بایران آزادی خواه بار دیگر محسوس خواهد نمود. چند ماه قبل بر این در پاریس اداره اتحادیه فرانسه و ایران تشکیل شد و فوراً رجال بزرگ مملکت ما مثل ( پیربودن ) ( برار ) ( دشانل ) ( دیو لافوا ) ( دومر ) ( لوروا بولیو ) ( مزیه ) ( روش ) و غیره اعضای آن شدند. و یکی از مقاصد این اتحادیه آنست که مرادوات دوستانه فرانسه و ایران را محکم تر کرده و دوفرانسه تربیت و تروت و خیالات ایران را بنماید. و در ایران هم ترقی و تمدن را که مملکت فرانسه منبع آنست منتشر بکنند و اینک این اتحادیه فرانسه و ایران می خواهد بورس های عدیده ( بورس مقدار وجه اطافه ایست که کافی یک شاگرد باشد ) مرتب کرده و ایرانی های جوان را باین وسیله مجاباً آورده برای تعلیم خدمت داخل ادارات فرانسه بکنند

دوشنبه گذشته بعد از ظهر ایرانی هاییکه در سفارت جمع بودند وقتی که وزیر مختار محترم ایشان جناب ممتاز السلطنه این خیال اتحادیه که در واقع خیال خودشان بود اظهار کرد و المجلس يك وجه معتد برای صرف در راه تحصیل نتیجه این خیال تقدیم کردند. ما خود مان را خیلی تبریک می کنیم از این اظهار ذوق و شغف عدیده از برای همدستی و اتحاد دولتین فرانسه و ایران ( اول دفعه ایست که روزنامه رسی فرانسه آنها در ستون اول خود که مخصوص مطالب پلٹیکی است حرف از هم دستی و اتحاد خود بجان با ایران میزند )

از طرف دیگر خیلی خوش وقت هستیم از

دیدن اینکه هوا خواهان ترتیب قدیم ایران امروز بیان واقع را ملققت شده و از خیالات مستبدانه خودشان که نتیجه آن بجز تطویل مدت شورش چیزی نمی توانست بشود دست کشیده اند

شاهزاده ظل السلطان، که همقم ما مسیو کلودانه در آخرین عزیمت او بطرف طهران همراه شان رفته بود، اعلان کرده و می گوید که در این موقع باریک ایران قبل از همه چیز لازم است که تمام انبای ملت متحد بشوند و از مجادلات داخلی و اغراض شخصی در مقابل منافع ملی بکلی کنار باشند ( همقم محترم ما روزنامه تان نظر بملو مقام خودش با کمال نزاکت در اینجا حالی می کند که کلودانه که يك هفته قبل در روزنامه نوول فرانسه بعضی چیزهای بی ماخذ نوشته بود همسر ظل السلطان بود و قولش در حق ایران محل اعتبار نیست، نامه مقدسه هم بآن اداره محترمه خبر میدهد که بدبختانه از این حرفها ظل السلطان هر روز ده دفعه می گوید و با عمل خود صد دفعه تکذیب می کند و این حرفهارا هم خود او نوشته بلکه مسیو (دریض) که فرانسه و دوست ایران است نوشته و چون این شخص جزو بهائی های ایران میباشد ظل السلطان او را گول زده و خود را در نظر او بهائی بقرم داده و مشارالیه را حامی خود کرده است و از قضایه ظل السلطان این مسئله را هم دروغ گفته )

شاهزاده ظل السلطان عموی محمدعلی شاه بملت زیادی پول و کثرت پشت کارش درطایبیت و حشیانه خود بیشتر از همه در نظر ایرانی های مشروطه طلب طرف سوء ظن بوده

( همقم محترم ما ملققت شده است که ظل السلطان بزور پول و حرکات و حشیانه بی مقاصد خود بوده و هست ) و چون وجود این شخص در موقع انتخابات در ایران می توانست اسباب این بشود که معززی الیه طرفدار برای خود بترشد و اسباب مزید زحمت ملت بشود لذا باین شاهزاده اجازه مراجعت بطهران ندادند و بعد از آنکه وجه اطافه بصندوق ملی از او گرفتند او را بفرنگ عودت دادند. ولی وجه اطافه گرفتن نمی بایست اسباب تعجب این شاهزاده بشود چرا که خودش سابق بی حیه خیلی از مردم پول می گرفت، بی حیه شاهزاده ظل السلطان

بملاحظه حقیقت امر بغض و کینه را نسبت بدولت  
حایه ایران کنار گذاشته و روز دو شنبه او هم  
بسنارت ایران در جزو ایرانی‌های دیگر برای تبریک  
استقرار دائمی اساس جدید ایران شتافته بود  
بعضی نویسنده ها هم ( مقصود همان روز نامه  
نویس ظل السلطان است ) بحقیقت امر و استقرار  
حتمی مشروطه در ایران که من بعد تمیز باذیر  
است تسلیم نشده باز بر ضد آزادی در ایران  
حرف زده و با زحمت و مشقت می خواهند چنان  
بنمایند که مجلس ایران را نیشود باو طاق مبعوثان  
انگلیس نسبت داد. و امنیت راههای ایران باندازه  
راه آهن‌های ما نیست نباید فراموش کرد. اگر  
خراسان با (بامبر) نزدیک هم می شد (بامبری که باغ  
عدن را در بر دارد باز معلوم است که بعد از  
قرنها استبداد و تاخت و تاراج نمیشود) یک مملکت  
وسیعۀ مثل ایران را در چند ماه بکلی مرتب نمود  
با وجود این تمامی مملکت حالا در دست مشروطه  
طلبان است و ادارات هم باندازه که عجبالتاً ممکن  
است مرتب شده اند، و بطوریکه جناب ممتاز السلطه  
یکی از همقم های ما گفته است (گفته وزیر مختار)  
« اما آنچه در باب استحکام اساس مشروطه در  
ایران هم قدر کفایت می کند و همه کس می فهمد  
که یک ملتی که مدتها در تحت استبداد و ظلم بوده  
امروز عدالت را با کمال لذت در بر می کشد، ایرانیها  
امروز بیدار شده اند و یقین است که به برقرار  
کردن اساس جدید بر بنای عدالت و حقانیت  
بطور محکم موفق خواهند شد، و اگر مشروطه در  
ایران تنها وسیله آرای مملکت نمی شد مرکز دول  
روس و انگلیس و فرانسه به محمد علی شاه آن قدر  
اصرار در برقراری آن نمی کردند، اساسی که نتیجه  
آن لابد بوقت اصلاح کامل و ترتیب صحیح بنای  
مملکت است نمی تواند محبوب القلوب نشود »  
بطوریکه دیده شد نطق پادشاهی در افتتاح مجلس  
حرف از ترتیب ادارات زده می خواهد که وکلای  
ملت در آبادی مملکت کار بکنند. از قرار اطلاعات  
صحیحه که با رسیده است منتخبین ملت از بهترین  
طبقات مملکت است حتی در مجلس ابتدایه ۱۹۰۷  
و ۱۹۰۸ درایت و کفایت بعضی از وکلا را دیدیم.  
این دغه بدون واسطه توپهای خرافاتی کواونل با کوف

بفرانت می توان کار کرد، در این موقع که وقت  
اول است وکلا بدون مخاطره در پارستانت جمع  
می شوند، نمیشود فراموش کرد سرکرده گان میدان  
مشروطیت یعنی آنتانی را که بریاست ممتاز الدوله  
مشغول بمشاوره بودند در حالی که در ماه ژون  
۱۹۰۸ کویدت پارلمنت شروع شد ادعیه صمیم  
ملت فرانسه با آنهاست که کشتی گرفته و قائ  
در آمده اند در تحصیل مقصودی که به شهادت کم  
ما را عزیز و محترم است

« جشن افتتاح مجلس متدس ملی طهران »  
( در سفارت پاریس )

از مندرجات روزنامه های فرانسه معلوم میشود  
که در سفارت پاریس این جشن محترم ایرانی بوجه  
اکل گرفته شده و در این موقع اتحادیه فرانسه و  
ایران کاری کرده است که بهترین سر مشق باید  
بشود. من جمله روزنامه ( تات ) می نویسد که  
تمامی محترمین ایرانی در سفارت پاریس برای تبریک  
جمع شده بودند و نطق های عدیده در محسوبات  
ملی شد

دو کتر ناظم بیک رئیس اتحاد و ترقی عثمانی هم  
که از مؤسین و مروجین اول مشروطه عثمانی است  
حضور داشته، و جناب ممتاز السلطه بعد از شرحی  
مذاکره وطن پرستانه و اظهار اینکه دولت فرانسه  
در این عید بزرگ ما از صمیم قلب اظهار شرکت  
نموده است، و جناب رئیس جمهور فرانسه مستقیماً  
باعلی حضرت اقدس هاپون و دولت فرانسه بدولت  
علیه ایران و پارلمنت فرانسه بتوسط خود معزی الیه  
به مجلس مقدس ملی تلگرافاً افتتاح مجلس ملی ایران  
را تبریک کرده و ادعیه خالصانه خودشان را ابلاغ  
نمودند، بحضار گفته است که اتحادیه فرانسه و ایران  
می خواهد در این موقع که برای وطن عزیز ما  
بسیار معزز است امروز یادگاری گذاشته شود و آن  
این است که چند نفر از ایرانیهای تربیت شده  
بمخرج اتحادیه از طهران انتخاب کرده و فرانسه  
آورده و در ادارات مختلفه دولت فرانسه بمدت  
یکساله بکار و خدمت وا دارد و من خود با دولت  
فرانسه ترتیب این امر را داده ام و قبول کرده ام  
که ایرانی ها را که باین مقصود بیاریس خواهند  
آمد در ادارات خودشان به ترتیب صحیح علی



در عرض يك سال درست به رؤسای آن ادارات سپرده و رموز لازمه را از هر جهت بآنها یاد بدهند بطوریکه در آخر يك سال این اشخاص بتوانند در ایران ادارات ما را از روی علم و قاعده مرتب نمایند ، این اظهارات وزیر مختار باندازه اسباب مسرت و تشویق شده که صرف نظر از معتبرین که حضور داشتند شاگردان مکاتب هم میان خودشان دسته دسته شده و باندازه قوه خودشان برای شرکت در اینکار خیر و جبری جمع کرده و بسندوق اداره اتحادیه فرانسه و ایران دادند ، و فی المجلس ده هزار فرانک پول جمع شده است

### حبل المتین

دولت عثمانی سیصد نفر بتوسط همین دوکتر ناظم بیک همین امثال شاگرد بیاریس فرستاده یعنی بخرج دولت ، امیدواریم که در طهران هم در این باب اقدام ملی بشود و صندوق اعانه بگذارند که بزرگان زیاد و کوچکان تا يك قران باین صندوق بدهند و با این پول جیبی را از اشخاص کارکن و کار کرده ( و نه بواسطه و بوسایل شخصی ) همین اتحادیه فرانسه و ایران فرستند ، که این اتحادیه اقدامات لازمه را در جا بجا کردن این شاگردان و مواظبت در حق آنها بعمل آورد ، نه مثل بعضی شاگردها که سالها است در فرنگ علی الطاهر باسم تحصیل و باطناً به بیکاری وقت و عمر خودشان را ضایع می کنند ، و علت آنست هم این است که اولیای آنها از اول به بی تربیتی باین کار اقدام می کنند و در آخر از کرده خود پشیمان میشوند

### عرض داشت مخصوص

مسلم است امروزه بهترین وسیله نجات ابناء وطن برای تکمیل بصیرت و حدت زکات در بیداری از خواب غفلت مرور و مطالعه روزنامهجات است که مملکت حقیقت و پیروی طریقت و کشف نکات و دقائق کلی و جزئی امور را بخوبی مینماید چند شبانه قبل بمطالعه جریده مقدس مذکور نائل و فائز گشته من جمله از وضع اداره تلگراف پوسطنی مرقوم زنده بود (بر هر که بنگری همین درد مبتلا است) در اینجا هم صد دوحه بدو زنده

تلگراف افیونی بچاره گاهی در ۲۴ ساعت شبانه روز نیم ساعت آنت را اگر از نشاء و خوار فی الجمله بیرون آید در صدد مداخل و بر کردن کینه مانند زمان استبداد اقتصاده و از هر خانی مایندی اخذ نموده مدح مینماید و هر خادم حقیقی که جداً در امورات مشروعه نجات قدم ورزیده و بجان و مال در خدمت وطن کوشیده فارغ الباله از خیالات زمن استبداد که باید فلان مامور یا فلان اجزاء دولتی را باید از هر قسم رعایات و تعاریفات منظور داشت حتی انقدر آنچه لازمه سی است در همه قسم حالت فشان حاضر شده ولی چون متعبد مشروطه نما رئیس تلگراف که با عرض فاسده خود رقبا دارد و کمان نموده این يك ضرر باعث برهم زدن شیرازه این صفحه خواهد شد و تبه معتد به از این گونه اشخاص محترم که امروزه اعتنائی باین عوام ندارند جز شور وطن پرستی قید همه را زده عاید رئیس با تدلیس نشده لهذا با کاذب و باطلیل نسبت دهد چنانچه بعضی مکه الحق از بدوالی کنون ذره در ترتیبات مشروعه فرو گذار نبوده بلکه یکدقیقه نیاسوده و بر ذمه هموم این اهالی حقوق خود را اظهار من العس در نمودن طریقه حقه ثابت نموده و بدو ورود ایالت و حکمران نیز همه قسم در ترتیبات و تشکیلات انجمن مقدس با نهایت جدوجهد سعی شده و در سرکوبی اشرار ( سکوند ) با عده سوار خود باتفاق نایب الحکومه و سایرین نیز کمال مساعدت و مجاهدت را داشته گذشته از آنکه نای از حسن خدماتشان برده بشود الصاف است باغراض و اغواء جیبی مفید جماعت چهار لک قطع الطریق خود سرانه در بودن ایالت و حکومت علی رؤس الاشهاد تمام قری و دهات متعلقه شخص معزی الیه را که مایه امیدواری و قوت تمام اهالی بوده صیبی آن را با احشام و مواشی آن را تماماً غارت نمایند و رعایای بدبخت فلک زده را اسیر و عیالشان را بی سیرت بر خاک مذلت سیاه نشانند و يك از باغات موسوم بزراش که همه ساله ششصد تومان اجاره میرود نیز تمام درختهای آن بریده و از ریشه کنده اند بالغ بر بیست هزار تومان کاملاً ضرر بر چنین وجود زبانه و حکومت جدید و با آن همه زبانت